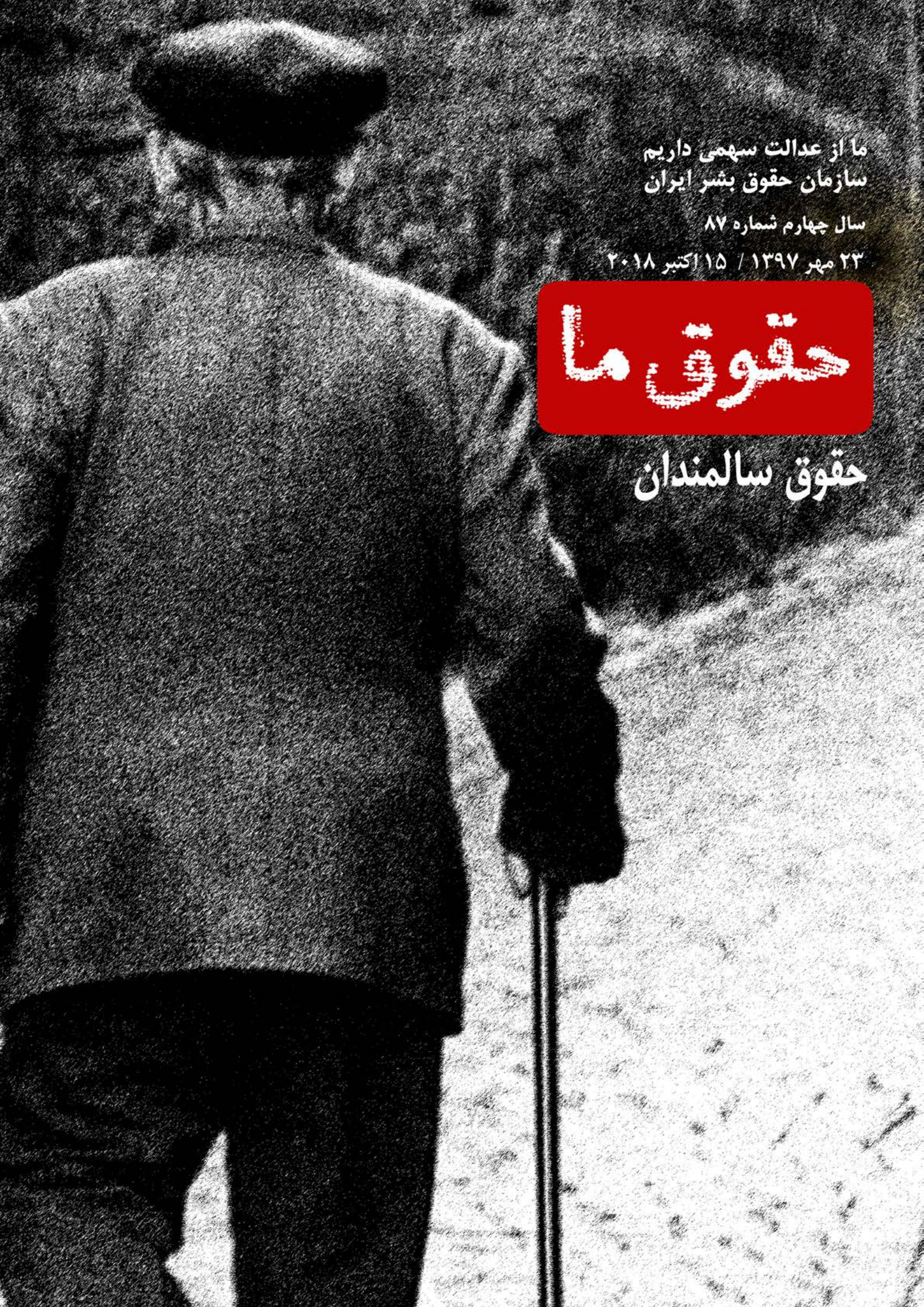




ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۸۷

۲۳ مهر ۱۳۹۷ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸

حقوق ما

حقوق سالمندان

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: عسل همتی، معین خزائلی، نقی محمودی، احسان حسین زاده

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

تبعیض سنی و حقوق سالمندان

افزایش جمعیت «سالمندان» و ضرورت بازنگری در چارچوب های حقوقی

وضعیت حمایت های ملی و بین المللی از سالمندان

جای خالی قانون جامع سالمندان

سالمندان نیازمند حمایتند

سالمندان و قوانین در ایران

سالمندان و حقوق از دست رفته

دو روی یک سکه؛ آزمایش بکارت و مهریه

تبعیض سنی و حقوق سالمندان



کامبیز غفوری

یکی از سجایای اخلاقی دنیای امروز، به حق، مبارزه اش با سکسیسم (تبعیض جنسیتی) یا راسیسم (تبعیض نژادی) است. اما آیا تا به حال واژه ایجیسم (تبعیض سنی) را شنیده اید؟ سازمان بهداشت جهانی تحمیل هرگونه تبعیض بر انسان ها را به خاطر سن و سال شان، ایجیسم یا تبعیض سنی می نامد. این پدیده به ویژه آثار مخرب و زیان باری را برای سلامت افراد سالمند به همراه می آورد و بالطبع تبعات منفی آن نیز به جامعه بازمی گردد.

اگر واژه ایجیسم تا به حال به گوش تان نخورده است، شاید به این خاطر باشد که نگاه کلیشه ای به سالمندان بیش از هر پیشداوری مضر دیگری، برای جامعه عادی انگاشته شده است. همین عادی انگاری باعث می شود که بخش مهمی از جامعه به حاشیه رانده و دچار آسیب شوند.

برای افراد مسن، تبعیض سنی در موارد گسترده ای، مانند مشکلات شغلی، بیمه ها، کلیشه سازی از آنان در رسانه ها و به حاشیه رانده شدن، با آن مواجهند.

اما حقوق افراد سالمند در ایران و جهان چگونه و تا چه حد پاس داشته می شود؟ در داخل کشور چه گام های قانونی برای حمایت از آنان برداشته شده و نواقص احتمالی آن ها چیست؟ چه مواردی را جامعه حقوقی ایران باید در این رابطه در نظر بگیرد؟

شماره ۷۸ مجله حقوق ما به موضوع حقوق سالمندان پرداخته است.

در این شماره، احسان حسین زاده، حقوق دان ساکن ایران، در مورد وضعیت حمایت های ملی و بین المللی نوشته است. او

مراکز بهزیستی است. در صورتی که خانواده ی سالمند حاضر به نگهداری از او نباشند، مثل اکثر کشورهایی که نگهداری از سالمندان تحت پوشش بیمه است، آنان باید در خانه ی سالمندان نگهداری شوند. همچنین وجود مجازات های مشدد در قوانین کیفری در ارتباط با سالمند آزاری و خشونت نسبت به سالمندان ضروری می نماید.

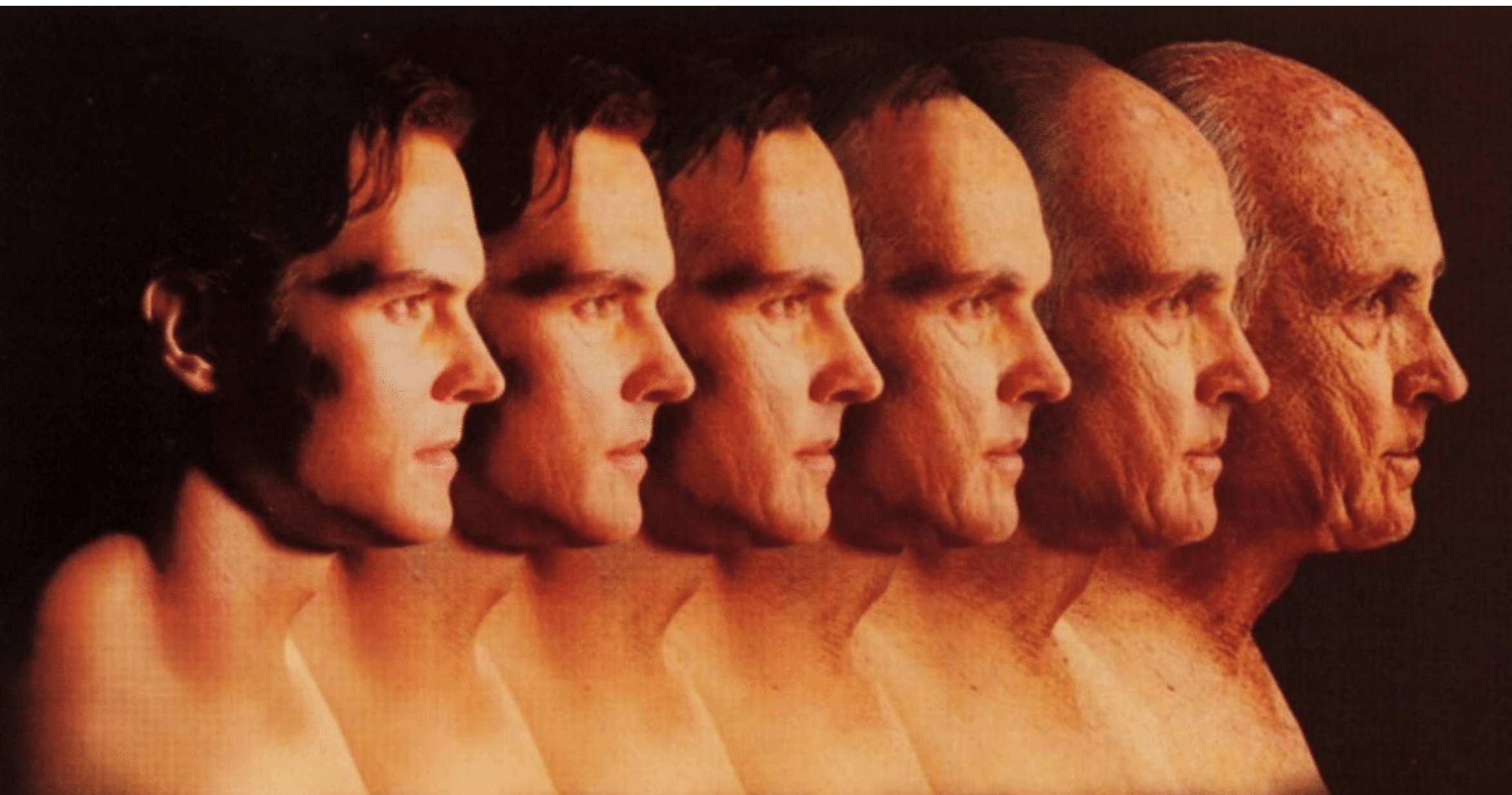
معین خزائلی، روزنامه نگار و حقوق دان ساکن سوئد، معتقد است که «به دلیل رویکرد تقریباً منفعلانه قانون مدنی ایران در برابر حقوق سالمندان، فقر قوانین حمایتی مرتبط با آزادی ها و حقوق فردی و اجتماعی آنان به شدت احساس می شود.» او نیز پیشنهادهایی را در مورد نیاز به قوانین جدید ارائه کرده است. در این شماره، عسل همتی با محمد اولیایی فرد، حقوق دان؛ سعید پیوندی، جامعه شناس؛ و پژمان فاتحی، حقوق دان، گفت و گو کرده است.

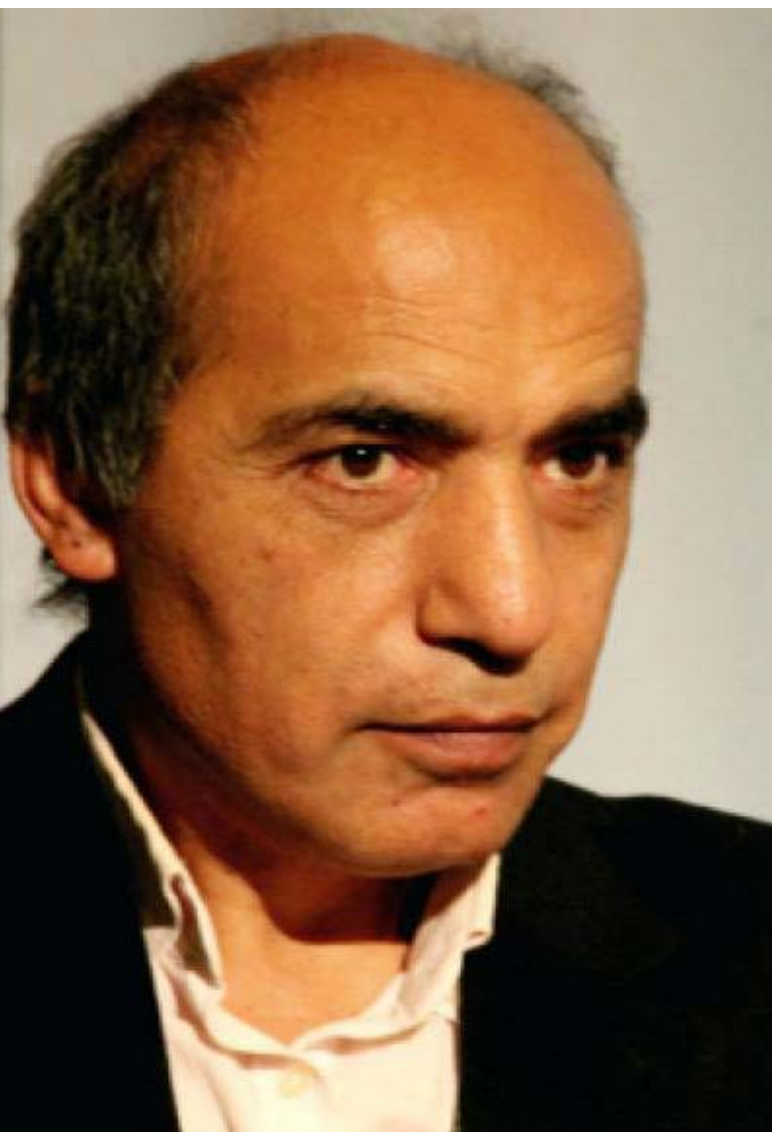
همچنین یک فعال حقوق بشر نقدی به مندرجات شماره ۸۵ مجله حقوق ما به سردبیری فرستاد که عیناً در این شماره منتشر می شود. مجله حقوق ما همواره از پیشنهادهای و نقدهای خوانندگان و صاحب نظران استقبال می کند.

در مورد وضعیت سالمندان در ایران پیشنهاد می کند: «اول باید حقوق سالمندان در چارچوب حداقل های استانداردهای جهانی حقوق کار و حقوق تأمین اجتماعی رعایت شود و بعد از گذراندن این مرحله جامعه ایرانی خواهد توانست با تعیین استانداردهای جداگانه و اعمال تبعیض های مثبت به نفع سالمندان در جامعه از این گروه آسیب پذیر حمایت کند و زمینه مشارکت و رشد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این قشر آسیب پذیر را فراهم نماید.»

نقی محمودی، حقوق دان ساکن آلمان، ذیل عنوان «سالمندان نیازمند حمایتند»، پیشنهادهایی نیز ارائه کرده است. او می نویسد: «حمایت کیفری از سالمندان به عنوان قشر آسیب پذیر و در معرض بزه دیدگی، هم طراز با حمایت کیفری از کودکان و زنان، بایستی از سوی دولت ایران مطمح نظر قرار گیرد.

اختصاص خطوط ویژه ی تلفنی اورژانسی برای حمایت از سالمندان در صورت بزه دیدگی یا بروز سانحه، همچنین تقبل کلیه ی هزینه های لوازم ضروری از قبیل صندلی چرخ دار، عصا، پوشک و... درمان و نگهداری و مراقبت از آنها در بیمارستان هاو





سالمند را ناممکن کرده است. امروز دیگر به‌خاطر نوع زندگی‌ها و فاصله‌ها روابط بین‌نسلی به‌گونه گذشته ناممکن شده و حتی خود سالمندان هم گاه ترجیح می‌دهند از استقلال برخوردار باشند و حس «سربار» بودن در خانواده را نداشته باشند.

همانطور که گفتیم ما در گذشته‌های نه‌چندان دور گروه بسیار محدودی به اسم سالمند داشتیم چون امید به زندگی بسیار کم بود و اکنون با استوانه‌ای شدن هرم سنی، در عمل تعداد سالمندان بیشتر و بیشتر می‌شود، سطح توقع آنها از زندگی سالخورده‌گی هم متحول می‌شود. به همین خاطر بسیار دشوار است که فقط روی همبستگی خانوادگی حساب کرد. در خانه‌های سالمندان در کشورهای پیشرفته امکانات پزشکی و رفاهی‌ای برای سالمندان وجود دارد که گاه از عهده خانواده‌ها خارج است. این روایت در ایران هم صدق می‌کند و ما باید به‌جای اینکه دنبال دلایل نادرست و غیر مفید برویم، باید به مسئله اصلی توجه کنیم و ببینیم که مسئولیت عمومی جامعه مقابل کسانی که ده‌ها سال برای کشور خودشان زحمت کشیده‌اند امروز چیست. ما هم ناچاریم رسیدگی به سالمندان

زیرا مسئله را فقط نباید در حوزه خصوصی و خانوادگی دید. اگر در گذشته‌های دورتر نوعی همبستگی ارگانیک درون جامعه و خانواده‌ها وجود داشت و اطرافیان بیشتر از سالمندانشان حفاظت می‌کردند، امروز بخش مهمی از این نگهداری به‌عهده جامعه افتاده و این ضرورت به‌وجود آمده که نگاه به سالمند و سالمندی عوض شده و به قسمتی از مسئولیت‌های جمعی جامعه تبدیل شود.

جامعه باید بیاموزد که به سالمندان خود توجه کند همانطور که آنها در دوران طولانی به جامعه برای توسعه، تولید ثروت و ساختن آنچه اکنون وجود دارد، کمک کردند. حالا که این گروه توانایی کار کردن ندارد باید بتواند در صورت لزوم مورد حمایت واقعی جامعه و نهادهای رسمی قرار بگیرد.

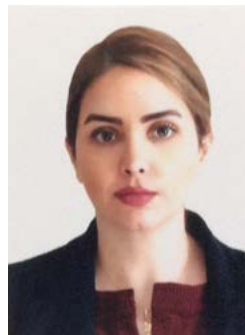
سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس ایران پیشتر از آمار نگران‌کننده سالمندآزاری در ایران خبر داده و گفته بود در فرهنگ اسلامی کشور ایران، سالمند هسته اصلی خانواده محسوب می‌شود و تکریم او واجب است. از سوی دیگر جامعه ایرانی تمایل به غربی‌شدن دارد و سالمند دیگر از آن جایگاه که سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس به آن قایل است برخوردار نیست. آیا شما به عنوان جامعه‌شناس فکر می‌کنید ریشه سالمندآزاری، در غربی‌شدن جامعه ایرانی است؟

ابتدا باید به ابعاد این پدیده پرداخت و اینکه چقدر در فضاهای خصوصی و نیز در خانه‌های نگهداری سالمندان این موضوع گسترده است. در کشورهای اروپایی هم گاه صحبت از سالمندآزاری می‌شود. اما باید با دقت دید که دامنه این پدیده منفی تا چه اندازه گسترده است و تا چه حد تبدیل شده به یک آسیب مهم اجتماعی. اما اگر به اصل صحبت‌های ایشان برگردیم از نظر من در تحلیل تحولی که در ایران پیش آمده نباید سراغ تفسیرهای سیاسی و ایدئولوژیک از جنس غربی شدن جامعه رفت. این کار فرافکنی آشکار است و پیدا کردن نوعی توجیه برای کم‌کاری و عدم توجه یا درک نکردن تحولات ژرف جامعه، چون اگر جامعه ایرانی به‌طور واقعی غربی شده بود، اتفاقاً می‌بایست توجه به سالمندان بسیار زیادتر می‌شد.

آنچه که در ایران اتفاق افتاده در سال‌های پیشتر در کشورهای صنعتی هم اتفاق افتاده است. این فرهنگ قدیمی همبستگی بین‌نسلی نه اسلامی است و نه ایرانی. این سبک زندگی و فرهنگ در اغلب مناطق دنیا وجود داشته است. در غرب هم افراد مسن که تعداد بسیار کمی بودند جایگاه والایی در خانواده بزرگ داشتند. اما تحولات ژرف اجتماعی و سبک‌وسایق زندگی فردی و خانوادگی امروزی امکان نگهداری و رسیدگی به سالمندان به شیوه‌های سنتی را در عمل از میان برده است.

زندگی امروز شهری آن همبستگی طبیعی را که دور‌که‌ایم از آن سخن گفته بود و در جامعه وجود داشت برای کمک به گروه‌های

افزایش جمعیت «سالمندان» و ضرورت بازنگری در چارچوب‌های حقوقی



عسل همتی

سعید پیوندی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در پاریس، معتقد است که قوانین ایران بایستی در حوزه حقوق سالمندان بازخوانی شوند و حمایت از سالمندان و توجه و احترام به آنان به یک هشیاری جدید اجتماعی تبدیل شود. این جامعه‌شناس می‌گوید باید از شعار و حرف‌های نامربوط دست برداشت، آستین‌ها را بالا زد و به موضوع سالمندان به‌چشم یک مسئله مهم اجتماعی پرداخت.

متن گفت‌وگوی حقوق ما با سعید پیوندی را می‌خوانید:

جامعه‌شناسی «سالمند» را چگونه تعریف می‌کند و جایگاه حقوق سالمندی در منشور حقوق شهروندی کجاست؟

تعریف سالمند با توجه به اینکه امید به زندگی در سال‌های پس‌از جنگ جهانی دوم در همه دنیا به‌گونه‌ای چشمگیر بالا رفته، عوض شده است. افزایش پرشتاب امید به زندگی هم به‌دلیل پیشرفت‌های پزشکی است و هم دسترسی افراد به بهداشت و امکانات پزشکی و آگاهی پیرامون سلامت. برای مثال اگر زمانی ۶۰ تا ۷۰ سالگی سالمندی به‌حساب می‌آمد، امروزه با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای اروپایی امید به زندگی تا هشتاد و چند سال جلو رفته، بنابراین نگاه به سالمند و سالمندی هم تغییر کرده و شخص ۶۵ ساله‌ای که مثلاً در گذشته سالمند به‌حساب می‌آمد، امروزه دیگر در نگاه جامعه صنعتی سالمند نیست.

در حقیقت، پدیده سالمندی و نوع برخورد با آن موضوعی است که وابسته به نگاه جامعه و تحولات دموگرافیک است. اگر به جامعه ایران برگردیم در سرشماری سال ۱۳۹۵ چیزی حدود پنج میلیون شهروند ۶۵ سال و بیشتر داشتیم، درحالی که در

دولت و سایر نهادهای

رسمی در جامعه هستند که

چگونه با مسئله سالمند و

سالمندی برخورد می‌کنند و

چه جایگاهی را در عمل، چه

از نظر قانونی و چه از نظر

نمادین، برای سالمند به‌وجود

می‌آورند.

سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت این گروه کمتر از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود. به‌عبارت دیگر اگر در سال ۱۳۵۵ افراد بالاتر از ۶۴ سال سه‌ونیم درصد کل جمعیت بودند، در سال ۱۳۹۵ رقم آنها به ۷ درصد رسیده و این روند رو به افزایش است.

عامل دیگری هم که در این تعریف نقش بازی می‌کند، دولت و سایر نهادهای رسمی در جامعه هستند که چگونه با مسئله سالمند و سالمندی برخورد می‌کنند و چه جایگاهی را در عمل، چه از نظر قانونی و چه از نظر نمادین، برای سالمند به‌وجود می‌آورند؛ بنابراین اگر برگردیم به تجربه خیلی از جوامع دنیا، می‌توان دید که سالمندان که در گذشته تنها بخش کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دادند، امروز تبدیل شدند به یک گروه بسیار بزرگ‌تر و مسئله رسیدگی و توجه به آنها به یک دغدغه عمومی و بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. می‌گوییم عمومی،



را بخشی از خدمات عمومی اجتماعی بدانیم و با این نگاه به‌سراغ حل تدریجی مشکل برویم.

در ایران بسیار شاهدیم که وقتی سن فردی از ۶۰ سال می‌گذرد، افکارش حول محور مرگ می‌چرخد و این در حالی‌ست که در کشورهای توسعه‌یافته فرد سالمند، پس از بازنشستگی برای فعالیت در کلاس‌های ورزشی نام‌نویسی کرده و به تورهای تفریحی می‌رود و... ریشه‌های عرفی و فرهنگی جوامع چه تاثیری بر نگرش سالمند به زندگی دارد؟

پدیده‌ای که شما به‌درستی به آن اشاره کردید محصول مستقیم جامعه است. یعنی در فرانسه مانند بسیاری از کشورهای صنعتی اقتصاد سالمندان و بازنشسته‌ها وجود دارد. یعنی خدمات دولتی و عمومی شامل همه سالخوردگان می‌شود و آنهایی هم که نتوانند از حقوق بازنشستگی خوب برخوردار باشند دارای یک درآمد حداقلی هستند؛ همچنین برای اینکه این افراد بتوانند زندگی سالمندی انسانی و با احترام و کرامت داشته باشند برخی امکانات مثل خانه‌های ارزان‌قیمت دولتی، بیمه یا سفرهای تفریحی و امکانات ورزشی و فرهنگی در اختیارشان قرار می‌دهند. مراکز نگهداری سالمندان هم برای کسانی که به مراقبت ویژه احتیاج دارند و به‌دلیل مراقبت‌های خاص پزشکی خانواده توانایی نگهداری از آنها را ندارد وجود دارد.

با وجود چنین امکاناتی هنوز کسانی به‌درستی بر این باورند که برای احترام و قدرشناسی به سالمندان باید بازهم امکانات بیشتری در دسترس آنها قرار داد. در فرانسه افراد فعال یک روز در سال برای سالمندان کار می‌کنند و درآمد این روز صرف گسترش مراکز مربوط به نگهداری سالمندان می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم در ایران به‌سمت چنین وضعیتی حرکت کنیم باید از شعار و حرف‌های نامربوط دست بردایم، آستین‌ها را بالا زنیم و به موضوع سالمندان به‌چشم یک مسئله اجتماعی مهم نگاه کنیم. برای اینکه اگر امروز گروه کوچکی به اسم سالمند وجود دارد در سال‌های نه‌چندان دور آتی این گروه از نظر جمعیتی دو یا سه برابر خواهد شد و مسئله رسیدگی به آنها و زندگی سالمندی تبدیل می‌شود به یک بحران بزرگ اجتماعی.

پیشنهاد شما برای گروه سالمندان در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهایی که از نظر فرهنگی داری چنین دیدی نیستند چیست تا به ایزوله شدن این قشر نینجامد؟ ما با حرکت از فرهنگ خودمان که در آن سن یک ارزش بود و پیری نشانه داشتن خرد و تجربه زیاد باید شروع کنیم و به این سو برویم که سالمندی را، مانند کودکی، تبدیل به یک ارزش اجتماعی والا و واقعی کنیم.

اما به‌وجود آمدن این وضعیت مستلزم اختصاص امکانات عمومی

مهمی هم هست. در یک بعد روانی و نمادین به‌نظر من احترام و توجه به سالمندان باید تبدیل شود به یک هشجاری جدید اجتماعی. چون این پدیده در حال گسترش باید در جامعه کنونی ایران جایگاه شایسته خود را پیدا کند، چیزی که در کشورهای اروپایی در ۳۰، ۴۰، ۵۰ سال گذشته اتفاق افتاد. بنابراین باید خودمان را آماده کنیم برای این شرایط و به‌نظر من حتی اگر از امروز هم شروع کنیم دیر است. باید با شتاب مراکز نگهداری و رسیدگی به سالمندان تشکیل و گسترش یابند. هم‌زمان باید امکاناتی که نهادهای عمومی می‌توانند برای یک زندگی بهتر در اختیار سالمندان بگذارند افزایش یابد.

برای مثال، در شهرداری‌های کشور فرانسه فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی یا مسافرت‌های ارزانی در خارج از فصل تعطیلات عمومی مثل تابستان یا فصل اسکی در زمستان برای سالمندان وجود دارد تا آنها هم بتوانند به‌شکل ارزان‌تر از تفریحات موجود بهره ببرند. حتی مراکز تفریحی و رفاهی نیز وجود دارد که مختص به آنهاست که این مراکز مجهز به امکانات پزشکی خاصی هم هستند.

جامعه باید بتواند امکاناتش را بسیج کند و در حرکت حمایتی نهادهای عمومی هم باید مسئولیت خودشان را قبول کنند. همانطور که برای مدرسه رفتن کودکان حساسیت وجود دارد تا همه کودکان یک کشور بتوانند از آموزش بهره بگیرند و درس بخوانند - چیزی که در ایران اتفاق نیفتاده و طبق آمار چهار میلیون کودک بازمانده از تحصیل وجود دارد - همین اتفاق باید برای سالمندان نیز بیفتد.

کارهایی که امروز برای سالمندان انجام می‌شود تدارک زیرساخت‌های آینده است. با داشتن چنین زیرساخت‌هایی

سالمندان حتی می‌توانند در برخی از فعالیت‌های اجتماعی مفید مربوط به نسل جوان شرکت کنند مثل کلاس‌های سوادآموزی یا کمک‌آموزشی. این ابتکارات هم رابطه و گفت‌وگوی میان نسل‌ها را تقویت می‌کند و هم از انزوای اجتماعی سالمندان می‌کاهد. در شهرهای دانشگاهی فرانسه به ابتکار سازمان‌های غیر دولتی، سالمندان گاه داوطلبانه دانشجویان جوان را در طول سال تحصیلی در خانه خود می‌پذیرند و در برابر آن، دانشجویان در برخی فعالیت‌های روزمره به سالمندان کمک می‌کنند.

در قانون اساسی هر کشوری موارد حقوقی حمایتی در رابطه با سالمندان وجود دارد که نسبت نفوذ و اجرایی شدنشان در کشورهای مختلف متفاوت است و در برخی مواقع حتی ممکن است به‌آنها پرداخته نشود و در حد ماده و تبصره باقی بمانند. برخی از این حقوق‌ها حقوق مدنی هستند، مثل حجر و عدم دخالت در امور مالی سالمند، تعیین قیم و... پرسش من این است که شما برای بهتر شدن قوانین در خصوص سالمندان چه پیشنهادی به قانون‌گذار دارید؟

از نظر من ما نمی‌توانیم شرایط سالمندان را در جامعه بهبود بدهیم مگر اینکه چارچوب‌های حقوقی زمینه چنین تحولی را فراهم آورند. چارچوب‌های قانونی دارای اهمیت زیادی هستند و نمی‌توان فکر کرد که ما بدون وجود قوانین حمایتی بتوانیم کار حمایت از سالمندان را انجام دهیم.

از این منظر شاید لازم باشد به بازخوانی قوانین ایران در رابطه با حمایت از سالمندان پرداخت. چه مواردی در قوانین کشورمان می‌تواند کمک کند به جایگاه جدید سالمندان و چه چیزهایی

احتمالاً به‌صورت عوامل بازدارنده عمل می‌کنند. برای مثال در قوانین فرانسه برای زوج سالمند یا فرد سالمند تنها این امکان وجود دارد که خانه‌ای که در آن ساکن است را بتواند پیش‌فروش کند و ماهیانه و تا پایان زندگی مبلغی را دریافت کند بدون اینکه لازم باشد مسکن خود را ترک کند و قانون حامی چنین موضوعی است. این باعث می‌شود که اگر فرزندان نخواهند به پدرومادر کمک لازم را بکنند و فقط منتظر مرگ آنان و گرفتن ارثیه باشند، راه قانونی برای کمک به سالمندان برای استفاده مناسب از امکانات وجود داشته باشد.

در فرانسه قانون همچنین نه‌تنها فرزندان مستقیم بلکه سایر بستگان یک سالمند را هم ناچار می‌کند تا فرد سالمند را به‌حال خود وا نهند و به آنها رسیدگی کنند. برای مثال اگر نوه از کمک به پدربزرگ یا مادربزرگ سر باز زند، قانون می‌تواند فرد خاطی را محکوم کند.

همچنین قوانین حمایتی پیرامون تخفیفات مالیاتی برای فرزندانی که والدین را زیر چتر حمایتی خود می‌گیرند نیز وجود دارد. هم‌زمان در کشورهای توسعه‌یافته در کنار قوانین حمایتی مثل بیمه مجانی یا کمک‌های درمانی رایگان و مراکز رفاهی و تفریحی و... که هرروز توسعه می‌یابد و دامنه آن گسترده‌تر می‌شود یکسری چارچوب‌های قانونی هم وجود دارد که یک سالمند می‌تواند به‌واسطه آنها با دوران پیری‌اش به‌راحتی مواجه شود.

این اقدامات و چارچوب‌ها بازتاب یک نوع هوشیاری و وجدان جمعی است که در آن جامعه مسئولیت خود را در برابر کسانی که روزی برای این کشور تلاش کردند انجام دهد و آنها را به‌عنوان یک انسان و یک شهروند از جامعه و امکانات آن طرد نکند.

جامعه داشته باشد.

هشدارهایی داده است. [۵]

احترام

شأن و منزلت سالمندان باید فارغ از درنظر گرفتن جنس، نژاد و معلولیت و حتی میزان توانایی مالی آنها، محترم شمرده شود. البته این تنها حرکت جامعه جهانی برای حمایت از سالمندان نبود و در سال ۲۰۰۲، بیانیه مادرید و برنامه جهانی اقدام برای سالمندی [۴] به میزبانی دولت اسپانیا و به همت سازمان ملل و کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل، صادر شد. هدف از اصدار این بیانیه، رفع هرگونه تبعیض علیه سالمندان، فراهم کردن بیمه و رفاه اجتماعی برای این قشر و همچنین تأکید بر سالمندی بعنوان یکی از مسائل اساسی توسعه بود.

بخش دیگری از حمایت‌های بین المللی مربوط می‌شود به جلوگیری از سوء استفاده و بدرفتاری با سالمندان. سازمان جهانی بهداشت با تهیه گزارش هایی در مورد بدرفتاری با سالمندان در موسسات نگهداری از سالمندان همچنین در مورد سوءاستفاده‌های مالی از سالمندان بطور جدی

اول، ثبت بدرفتاری ها و چک کردن سوپیشینه؛ برای مثال قبل از به‌کارگرفتن اشخاص در مشاغل که با سالمندان مرتبط هستند، پیشینه این اشخاص بررسی می‌شود و در صورت داشتن سابقه مجرمانه در مورد بدرفتاری با سالمندان، از استخدام ایشان در این مشاغل جلوگیری می‌شود. دوم، تأکید کردن روی مفهوم اِجیسم (ناعدالتی در برخورد با سالمندان)؛ اِجیسم Ageism مفهومی مانند سکسیسم است که به وجود ناعدالتی‌ها در مورد سالمندان اشاره می‌کند و سالمندان را یک گروه حساس در جامعه معرفی می‌کند که نیازمند به حمایت‌های خاص است. مثل معلولین

عکس از: کاوه ساعی



وضعیت حمایت‌های ملی و بین‌المللی از سالمندان



احسان حسین‌زاده

ترکیب جمعیتی جهان به سمت پیری پیش می‌رود و همین امر لزوم توجه بیش از پیش به ساماندهی حقوق سالمندان را به امری ضروری مبدل کرده است. مطابق گزارش‌ها، جمعیت سالمندان جهان در سال ۲۰۵۰ از ۶۰۰ میلیون نفر به رقمی حدود دو میلیارد نفر خواهد رسید. [۱] همچنین جمعیت سالمندان ایران در سال ۱۴۲۰ به حدود ۲۰ میلیون نفر خواهد رسید. [۲] پیری رو به رشد جمعیت و همچنین الزامات حقوق بشری، جوامع را به توجه بیشتر به رعایت حقوق سالمندان ملزم کرده است.

مشارکت

سالمندان باید همچنان در بطن جامعه حضور داشته باشند و از جامعه جدا نیافتند و بتوانند بصورت فعالانه در تعیین سیاست‌های دولتی که به زندگی آنها مربوط می‌شود، مشارکت کنند. همچنین باید حق داشتن سندیکا و حق تشکیل جنبش‌های اجتماعی برای برخورداری از حقوق و رفاه بیشتر را داشته باشند.

مراقبت

سالمندان حق دارند از بیمه مناسب برخوردار باشند تا از بروز بیماری‌های جسمی یا روانی در آنها جلوگیری شود و یا این امر به تأخیر بیافتد. سالمندان باید از حمایت‌های اجتماعی و حقوقی برخوردار باشند تا بتوانند به نحو مناسبی زندگی کنند. در صورتی که سالمندی مجبور به اقامت در خانه سالمندان یا دیگر اقامتگاه‌های عمومی باشد، باید از حقوق اولیه خود مثل آزادی و سایر حقوق بشر برخوردار باشد. همچنین این مکان‌ها باید شأن انسانی سالمند، حریم خصوصی و آزادی تصمیم‌گیری او را برای نحوه زندگی خودش به رسمیت بشناسند.

خودابرازی

فرد سالمند باید حق رشد توانایی‌های بالقوه خود را در

حمایت‌های بین‌المللی از سالمندان

مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۱ طی تصمیمی [۳]، یک سری اصول را در زمینه حقوق سالمندان به تصویب رساند. مطابق این تصمیم که البته غیرالزام‌آور است، دولت‌ها به این امر تشویق شده‌اند که هرجا و هر زمانی که امکان‌پذیر بود، در راستای اجرایی‌شدن اصول ذیل در مورد حقوق سالمندان تلاش کنند:

استقلال

سالمندان باید حق داشتن خانه، غذا، پوشاک و بیمه مناسب را داشته باشند. همچنین باید بتوانند به بازار کار دسترسی داشته باشند و نیز از یک منبع درآمدی مستقل و مکفی بهره‌مند گردند.



که دولت‌ها از این گروه آسیب‌پذیر حمایت می‌کنند. سوم، برنامه‌ریزی پیش از موعد؛ این برنامه‌ریزی‌های قبل از موعد به سری اقداماتی اطلاق می‌شود که قبل از عارض شدن پیری بر یک شخص، اقدامات لازم را برای حمایت از این قشر به عمل می‌آورند.

چهارم، افزایش آگاهی‌های عمومی؛ ارتباط گرفتن با عامه مردم و آگاه کردن آنها از وجود چنین معضلی بعنوان موتور محرک هر حمایتی در جامعه است. افزایش آگاهی عمومی بهترین ابزار برای پیشبرد اهداف در زمینه حمایت از سالمندان تلقی شده است. [۷]

حمایت‌ها از سالمندان در نظام حقوقی مشترک اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ماده ۲۵ منشور حقوق اساسی [۸] به حقوق سالمندان پرداخته است. و داشتن یک زندگی توأم با احترام، منزلت انسانی و استقلال را برای سالمندان شناسایی کرده و نیز مشارکت در زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از حقوق اولیه این قشر دانسته است. با این وجود، مطابق گزارش "حقوق اساسی با تمرکز بر روی حقوق سالمندان" [۹]، سرعت حمایت از سالمندان در اروپا کند است و اتحادیه اروپا به جز منشور حقوق اساسی فوق‌الذکر و همچنین دستورالعمل تساوی استخدام [۱۰] هنوز

نتوانسته مقررات جامع الشمولی در مورد حقوق سالمندان به تصویب برساند. البته لازم به ذکر است قوانین ملی برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیشرفت‌های قابل توجهی در این زمینه داشته است.

وضعیت حمایت از سالمندان در ایران

متأسفانه قانون حمایت از حقوق سالمندان هنوز در ایران به تصویب نرسیده است. به گفته رئیس دبیرخانه شورای عالی سالمندان، لایحه حمایت از حقوق سالمندان هنوز در حال تدوین در دولت است و روی آن کار می‌شود. این لایحه بعد از ارجاع به شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی مجدداً برای تصویب در هیئت دولت مطرح خواهد شد [۱۱]. مطابق بند ۵ ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه، سازمان بهزیستی کشور، مسئول ساماندهی امور سالمندان شده است و در همین راستا مطابق آیین نامه اجرایی جزء (۵) بند (الف) ماده (۱۹۲) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران [۱۲] شورایی به نام شورای ملی سالمندان [۱۳] تشکیل شده است. اما متأسفانه با نگاهی به وضعیت معیشتی و رفاهی سالمندان ایران می‌توان این‌گونه استنباط کرد که این سازمان هم مثل ده‌ها سازمان اختصاصی که برای اهداف مشخص تشکیل می‌شود، کارایی لازم را در این سال‌ها نداشته است.

حمایت از سالمندان در ایران هنوز آنچنان که باید رشد نیافته است.

تزیق می‌کند تا حقوق بازنشستگان پرداخت شود. حقوقی که با نرخ تورم سرسام‌آور موجود در ایران هیچ تناسبی ندارد و همین امر موجب شده اکثر سالمندان با سقوط به زیر خط فقر سال‌ها از داشتن رفاه و یک زندگی آبرومند محروم باشند. بر اساس اعلام یک نماینده مجلس [۱۵] خط فقر شش میلیون تومان است؛ حال آنکه بطور معمول یک بازنشسته رقمی بین یک تا سه میلیون تومان را به عنوان مستمری بازنشستگی دریافت می‌کند و از بسیاری از مزایای دوران اشتغال فعال خود محروم است.

برای درک بهتر معضلات سالمندان که متأثر از حقوق کار و شرایط بد بازنشستگی‌ست، تیتتر برخی روزنامه‌ها و سایت‌های خبری که مربوط به همین یک سال اخیر است را، باهم مرور میکنیم:

- بازنشستگان معترض بانک ملی خواهان اجرای همسان‌سازی حقوق، پرداخت پاداش بدون تبعیض و بازگشایی دوباره کانون بازنشستگان بانک ملی هستند. [۱۶]
- بازنشستگان لوله‌سازی شرکت نفت اهواز امروز در مقابل کانون بازنشستگان نفت اهواز به دلیل پرداخت نشدن چند ماه از حقوقشان تجمع کردند. [۱۷]
- حدود ۲۰۰ تن از بازنشستگان کشوری روز ۱۰ آبان، برای سومین روز متوالی در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. این گروه از بازنشستگان در اعتراض به اجرا

بخشی از حقوق سالمندان در ایران بشدت متأثر از حقوق کار و شرایط رفاهی بازنشستگان است. اکثریت بازنشستگان ایرانی را سالمندان تشکیل می‌دهند. قشری که این روزها به دلیل پایین بودن مستمری بازنشستگی به شدت در مضیقه هستند. متأسفانه مطابق گزارش‌ها، اکثر صندوق‌های بازنشستگی کشور ورشکسته‌اند [۱۴] و به خاطر مدیریت نادرست، دولت از محل بودجه عمومی به این صندوق‌ها پول



نشدن قانون مدیریت خدمات کشوری، پایین بودن سطح مستمری‌ها و ناکارآمدی سیستم بیمه، «سفره خالی» پهن کردند. [۱۸]

• ابوالحسن ضرغامی رئیس شورای کانون‌های بازنشستگی استان زنجان، با اشاره به اینکه میانگین حقوق بازنشستگان کشوری یک میلیون و ۷۹۰ هزار تومان و میانگین حقوق شاغلین ۲ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان اعلام شده است، گفت: با افزایش هزار میلیارد تومانی برای ترمیم حقوق بازنشستگان، مشکلات حل نمی‌شود. وی اضافه کرد: برای ترمیم حقوق‌ها، دولت و مجلس باید وقت بیشتری بگذارند و منابع را افزایش دهند. [۱۹]

• تجمع بازنشستگان صنعت پتروشیمی آبادان مقابل فرمانداری آبادان، نزدیک به ۳ سال است که پتروشیمی مطالبات کارکنان و تعهدات مالی خود را در این زمینه پرداخت نکرده است. [۲۰]

• جمعی از بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. خواسته اصلی معترضان، رسیدگی به تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی بازنشستگان فرهنگی‌ست. [۲۱]

• جمعی از بازنشستگان دانشگاه‌های فرهنگیان سراسر

کشور به تهران آمدند و در اعتراض به عدم پرداخت پاداش پایان خدمت، در محل دفتر مرکزی دانشگاه فرهنگیان تجمع کردند. [۲۲]

• صبح امروز (۲۶ تیرماه) جمعی از بازنشستگان بانک‌های مختلف از سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل صندوق بازنشستگی بانک‌ها تجمع کردند. خواسته بازنشستگان اجرای کامل قانون همسان‌سازی، هم‌تراز با شاغلان و برخورداری از خدمات رفاهی است. [۲۳]

• معلمان بازنشسته در جستجوی عدالت/بعد از سی سال پای تخته ایستادن، پلاکارد دست می‌گیریم و به خیابان می‌آییم. منصور میرزایی مهم‌ترین مطالبات معلمان بازنشسته را اینگونه برمی‌شمارد: ناکافی بودن مستمری‌ها، درخواست همسان‌سازی مستمری بازنشستگان با شاغلان هم‌تراز و مطالبه‌ی بیمه تکمیلی باکیفیت. [۲۴]

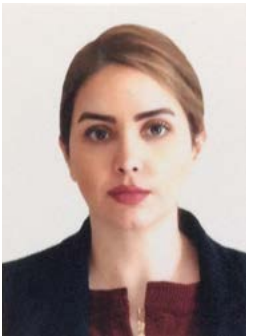
• شماری از بازنشستگان صنعت فولاد کشور مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد واقع در خیابان خالد استانبولی

تجمع کردند. تجمع‌کنندگان خواستار اجرای همسان‌سازی براساس تبصره ۵ ماده ۱۰۹ آیین‌نامه فولاد، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد و تسریع در پرداخت مستمری ماهانه خود از صندوق

از سالمندان براحته متوجه می‌شویم که در نظام حقوقی و اجتماعی امریکا، سالمندان بعنوان یک قشر آسیب‌پذیر شناسایی شده‌اند ولی آنچه در ایران می‌بینیم، این است که سالمندان در این سال و سده، هنوز برای رسیدن به حداقل حقوق انسانی خود مثل حقوق مکفی، تأمین اجتماعی مناسب و داشتن سرپناه مبارزه می‌کنند و سقف خواسته‌های این قشر هنوز با یک انسان معمولی و سالم در جامعه برابری می‌کند و متأسفانه هنوز به این خواسته‌های حداقلی دست نیافته‌اند. لذا صحبت کردن از شناسایی این قشر بعنوان یک قشر آسیب‌پذیر در ایران، مثل معلولان، هنوز یک رویای دست نیافتنی و بسیار دور و بعید بنظر می‌رسد. آنچه پیش روست، اینکه اول باید حقوق سالمندان در چارچوب حداقل‌های استانداردهای جهانی حقوق کار و حقوق تأمین اجتماعی رعایت شود و بعد از گذراندن این مرحله جامعه ایرانی خواهد توانست با تعیین استانداردهای جداگانه و اعمال تبعیض‌های مثبت به نفع سالمندان در جامعه از این گروه آسیب‌پذیر حمایت کند و زمینه مشارکت و رشد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این قشر آسیب‌پذیر را فراهم نماید.

- [۱] <http://www.un.org/esa/socdev/documents/ageing/MIPAA/political-declaration-en.pdf>
- [۲] <https://tinyurl.com/y876t2ng>
- [۳] www.ohcr.org/en/professionalinterest/pages/oldpersons.aspx
- [۴] <https://www.un.org/development/desa/ageing/madrid-plan-of-action-and-its-implementation.html>
- [۵] www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/elder-abuse
- [۶] <https://ncea.acl.gov/resources/elderrights.html>
- [۷] <https://ncea.acl.gov/whatwedo/practice/prevention-strategies.html>
- [۸] <http://fra.europa.eu/en/charterpedia/article/۲۵-rights-elderly>
- [۹] Fundamental Rights Report ۲۰۱۸ – Shifting perceptions: Towards a rights-based approach to ageing available at: www.fra.europa.eu/en/publication/۲۰۱۸/fundamental-rights-report-۲۰۱۸-fra-opinions
- [۱۰] <https://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:۳۲۰۰۰L۰۰۷۸:en:html>
- [۱۱] <https://www.isna.ir/news/۹۷۰۵۲۱۱۶۳۸۵/آخرین-وضعیت-لایحه-حمایت-از-حقوق-سالمندان>
- [۱۲] <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۲۳۲۶۸>
- [۱۳] <http://snce.ir>
- [۱۴] <https://tinyurl.com/y9arzl8u>
- [۱۵] <https://tinyurl.com/ydgr47ow>
- [۱۶] <https://tinyurl.com/ya4feony>
- [۱۷] <https://tinyurl.com/y887c6pp>
- [۱۸] https://www.radiofarda.com/a/iran_tehran_retired_demonstration_/۲۸۸۲۹۲۱۶.html
- [۱۹] <https://tinyurl.com/ybclt684>
- [۲۰] <http://khuzestanfarsnews.com/news/۱۳۹۷۰۲۱۷۰۰۱۱۲۶>
- [۲۱] <https://tinyurl.com/ya6pyfu4>
- [۲۲] <https://tinyurl.com/yd8pe6dc>
- [۲۳] <https://fararu.com/fa/news/۳۶۷۷۰۳/> [تجمع-بازنشستگان-بانک‌ها-مقابل-صندوق-بازنشستگی]
- [۲۴] <https://tinyurl.com/y89nz7vr>
- [۲۵] <https://tinyurl.com/y7rr93uk>

جای خالی قانون جامع سالمندان



عسل همتی

جایگاه سالمند و حقوق او در قانون مدنی، جزایی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و آیین‌نامه شورای عالی سلامت و سند ملی سالمندان، از محورهای گفت‌وگوی مجله «حقوق ما» با پژمان فاتحی، وکیل پایه یک دادگستری در کانون وکلای دادگستری استان فارس است.

مشروح این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید:

در قوانین حقوقی به چه کسی سالمند گفته می‌شود؟

قبل از ورود به بحث مقررات قانون، بایستی به‌عرض برسانم که سالمندی یا پیری به‌عنوان آخرین مرحله از رشد و تکامل هر انسانی است. با آغاز این فرآیند یک‌سری تغییرات – چه فیزیکی و چه روانی – در انسان رخ می‌دهد. تعیین دقیق سالمندی مهم است چراکه اگر سالمندی به‌معنای ناتوانی جسمانی یا روحی باشد در بین افراد متفاوت است. بسا اشخاصی در سنین ۷۰ تا ۸۰ سالگی هم سالمند نباشند و برخی نیز به کمتر از ۶۰ سال سالمند محسوب بشوند. علت نیز تفاوت‌های ژنتیکی، سلامت جسمانی و روانی، نوع تغذیه، تجارت، زندگی، رژیم غذایی، محیط زندگی، موقعیت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی شخص در کشور است. در کشور ما مطابق با ماده یک آیین‌نامه اجرایی مصوب هیئت وزیران درخصوص جزء پنج بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه سن سالمندی ۶۰ سال و بالاتر اعلام شده است.

آیا لزوم پرداخت به مسئله سالمندان به این خاطر نیست که کشور ما که تا همین چند سال پیش جزو کشورهای جوان محسوب می‌شد به‌سوی سالمندی در حرکت است؟

بله! اهمیت توجه به سالمندی از این روست که طی سه دهه آینده جمعیت سالمندان کشور ما قریب به ۳۰ درصد از جمعیت کل کشور خواهد بود. از این‌رو بایستی با اندیشه درست و تمهیداتی شایسته زمینه را برای تعالی و رشد بیشتر جامعه در این خصوص مهیا کرد. در غیر این‌صورت در آینده آثار زیان‌بار آن معلوم خواهد شد که غیرقابل جبران خواهد بود.

نگاه جامعه جهانی به سالمندان و حقوق آنان چگونه است؟

از منظر بین‌المللی پدیده سالمندی و مشکلات ناشی از آن و لزوم حمایت از آن در سطح بین‌المللی از نیمه دوم قرن بیستم خصوصاً دهه ۸۰ میلادی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و اسناد بین‌المللی فراوانی تحت عناوین مختلف به‌تصویب رسید. برای مثال برنامه اقدام بین‌المللی درباره سالمندی [تنظیم شد] که این سند درواقع اولین سند بین‌المللی درمورد سالمندان است. یا اصول ملل متحد برای سالمندان مصوب ۱۹۹۱ که حاوی ۱۸ اصل حمایتی در پنج محور استقلال، مشارکت،

مراقبت، خودسازی و شأن و منزلت سالمندان است. یا اعلامیه اصول اساسی برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵ که یکی از اصول این اعلامیه اصل عدم تبعیض است که در پاراگراف سوم آن صراحتاً درباره اشخاص ناتوان بدنی یا روانی اشاره می‌کند.

از اهمیت این مسئله همین بس که سال ۱۹۹۹ تحت عنوان سال بین‌المللی سالمندان نامگذاری شده است؛ همچنین اول اکتبر به‌عنوان روز جهانی سالمندان معرفی شده است.

در حال حاضر در ایران چه قوانین حقوقی و حمایتی برای سالمندان وجود دارد؟

باید گفت که در ماده واحده لایحه قانونی در تشکیل سازمان بهزیستی کشور، مصوب ۱۳۵۹، در اصلاحات و الحاقات به‌عمل‌آمده به‌طور خلاصه اشاره غیر مستقیم به حمایت از سالمندان شده است. در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۸ در جزء ۵ بند الف ماده ۱۹۲ آن آمده است: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است در جهت ساماندهی و توانبخشی بیماران روانی مزمن و سالمندان در سال اول برنامه سوم نسبت به تهیه تدوین و اجرای طرح ساماندهی بیماران یاد شده اقدام کند. آیین‌نامه اجرایی بند فوق با همکاری وزرات بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان برنامه و بودجه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.» پس از گذشت قریب ۴ سال نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۶ هیئت وزیران آیین‌نامه آن‌را در ۲۳ ماده تصویب کرد که به اشتباه گفته می‌شود قانون تشکیل شورای ملی سالمندی.

در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی در بند ط ماده ۹۷ آن، تداوم اجرای طرح ساماندهی و توانبخشی سالمندان با پوشش حداقل ۲۵ درصد جمعیت هدف مورد توجه قرار گرفته است. البته بندهایی از ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ دربرگیرنده سالمندان است، اگرچه صراحتاً از کلمه سالمند استفاده نکرده است و همچنین ماده ۱۶ آن.

از همه مهم‌تر ماده ۵۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۹۵/۱۱/۱ است که در بند پ آن به کرات به سالمندان اشاره شده است.

جایگاه سالمندان در منشور حقوق شهروندی کجاست؟ در خصوص حقوق سالمندان در منشور حقوق شهروندی،



تأمین و حمایت همه‌جانبه

از حقوق اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی

سالمندان نیازمند

تصویب قانونی جامع

برای سالمندان است.

لازم به‌ذکر است که در ماده ۵ منشور به‌صراحت از حقوق سالمند نام برده شده است. به‌موجب ماده ۵: «حق‌توانخواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توانبخشی برای بهبودی و توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشترک در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.»

این ایراد اساسی وجود دارد که در منشور صرفاً به نیازهای مادی و توانبخشی سالمند اشاره شده است و به سایر نیازهای او توجهی نداشته است.

این نکته قابل ذکر است که در ارجاع قانونی مواد منشور حقوق شهروندی به‌صراحت به قانون الحاق به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۷۸ و قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ اشاره شده است که خود این ارجاع گواهی است بر ایراد ذکر شده.

باتوجه به آمار افزایشی سالمندآوری آیا حقوق حمایتی در قانون اساسی و قوانین خاص برای حمایت از سالمندان وجود دارد؟

به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی و ... حق است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند.» این اصل دربرگیرنده حمایت همه‌جانبه از تمامی آحاد ملت از جمله سالمندان است. عمده مقررات ذکر شده در ذیل بحث تامین حداقل‌های درمانی، توانبخشی و مالی است. اما بحث حمایت‌های قانونی از منظر کیفری و حقوقی هم مطرح است. سالمندی همراه با کاهش قوای روانی و جسمانی است و از آنجا که بزه‌دیدگی غالباً نتیجه عوامل متعددی چون ضعف جسمانی، عدم تعادل روحی و روانی، نداشتن موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت محیطی است، بنابراین احتمال آسیب‌پذیری سالمندان در برابر سوءاستفاده‌های مالی و اقتصادی و بهره‌کشی از آنها بیشتر از سایر اقشار جامعه است، به‌همین دلیل شایسته است مورد توجه و حمایت خاص قرار بگیرند.

در جامعه کنونی سالمندآوری به‌گونه‌های مختلفی و با آمار بسیار بالایی در حال رخ دادن است از قبیل: سالمندآوری جسمانی، روانی، عاطفی، جنسی، اجتماعی، اقتصادی و قصور در مراقبت از سالمندان. در نظام حقوقی ما از حیث مجازات

به این امر مهم توجه شده است. صرفاً در ماده ۵۹۶ مبحث تعزیرات قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار جرم‌انگاری نموده است. به موجب این ماده: «هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی و یا هوی‌وهوس او و یا حوائج شخصی افراد غیررشدید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب یا هرگونه نوشته‌ای که موجب الزام وی یا برائت ذمه‌گیرنده سند یا هر شخص دیگری شود و به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از ۶ ماه تا دو سال و یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. و اگر مرتکب، ولایت، وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی از ۳ تا ۷ سال حبس خواهد بود.» این ماده کلی است و دربرگیرنده جرایم مالی با مشخصات بالا در خصوص سالمندان نیز می‌شود.

در جهت حمایت کیفری ویژه از سالمندان بزه‌دیده با عنایت به عواملی چون جسم، سن و موقعیت آنها از آنجا که این قشر اهداف جذاب‌تری نسبت به سایر گروه‌های سنی هستند لازم است قانون‌گذار همانند ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات با جرم‌انگاری خاص یا تشدید مجازات بر مبنای آسیب‌شناسانه اقدام کند. برای مثال، در خصوص تشدید مجازات ربودن یا مخفی‌کردن سالمندان، تشدید مجازات یا جرم‌انگاری درخصوص شکنجه و آزار سالمندان یا بهره‌برداری سالمندان برای تکدی‌گری یا کیف‌زنی و جیب‌بری و مصادیق متعددی که از ذکر آن خودداری می‌کنم.

اما در بعد حمایت حقوقی از آنجا که سالمندان امکان دارد یا قوای جسمانی کافی برای اداره امور مالی خویش نداشته باشند یا از نظر روحی و روانی در زمره محجورین قرار گیرند قانون‌گذار حمایت‌های خاص خود را دارد. موكداً عرض می‌کنم این ضمانت اجرایی کلی است که می‌تواند راجع به سالمندان و در زمره تعریف قانون اعمال گردد:

اگر سالمندی توانایی اداره مالی خود را به‌عنوان محجور نداشته باشد قانون‌گذار در ماده ۱۰۴ قانون امور حسبی این امکان را فراهم کرده تا اموال وی توسط شخص امینی اداره شود.

به‌موجب ماده ۱۰۴ قانون امور حسبی: «کسی که در اثر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعضی اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امینی معین شود». البته این امین همانند وکیل است و تمامی احکام وکیل بر او بار می‌شود و مسئولیت حقوقی و کیفری در



اشخاص اعلام نموده و برای آنها قیم تعیین می‌شود و به‌نحوی این مسئله اعلام محجوریت جهت تعیین قیم را وظیفه دانسته است. والدین، اقربا، زن و شوهر، دادستانی، شهرداری، اداره ثبت احوال، دهقان، بخشدار، دادگاه‌ها و ...

قانون‌گذار تکالیف متعددی را به‌عهده قیم گذاشته است، از قبیل تهیه صورت جامعی از لیست اموال (ماده ۱۲۳۶ قانون مدنی). مسئولیت قیم در جبران خسارت ناشی از تعدی و تفریط (مواد ۱۲۳۸ و ۱۲۳۹ قانون مدنی) عدم انجام معامله با خود به‌جهت احتمال رعایت نکردن غبطه محجور (ماده ۱۲۴۰) عدم توانایی قیم در خاتمه‌دادن دعوی به صلح به‌جهت جلوگیری از تضییع حقوق محجور (ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی) ارائه بیان مالی مدت زمان مسئولیت قیم (مواد ۱۲۴۴

برابر سالمند دارد. اما اگر سالمند، محجور - یعنی غیررشدید یا مجنون - باشد قانون‌گذار در قانون مدنی و قانون امور حسبی به‌تفضیل از وی حمایت نموده است. این اشخاص به موجب مواد ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۹۰، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مدنی حق مداخله در اموال خود را ندارند و نمی‌توانند معامله کنند. چرا که از شروط اساسی در هر معامله‌ای اهلیت است، که این اشخاص فاقد این شرط هستند. منتهی اگر محجور، سفیه و غیررشدید باشد معاملات وی غیر نافذ است ولی اگر سالمند محجور باشد معاملات باطل است.

از همه مهمتر قانون‌گذار به‌موجب ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی و ماده ۵۵ و ۵۶ قانون امور حسبی درجهت حمایت از این

پیش‌گیرانه درمانی و توانبخشی برای سالمندان. ۴- ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی از طریق تامین معیشت و خدمات مالی به سالمندان و توسعه و تقویت خدمات نگهداری از سالمندان. ۵- توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز در امور سالمندی از طریق بازنگری در قوانین و مقررات. ۶- امنیت مالی نظام حمایت از سالمند از طریق تامین منابع مالی پایدار برای سالمندی، کاهش پرداخت از جیب مردم در برخورداری سالمندان از خدمات درمانی و توانبخشی و تخصیص عادلانه و بهینه منابع مالی.

این سند قانون نیست بلکه مصوبه یا سندی است که ایرادات فراوانی بر آن وارد است. کما اینکه در همین سند لزوم بازنگری در قوانین به جهت توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز سالمندان و همچنین منابع مالی پایدار و ... وجود دارد.

در خصوص اینکه قانون تشکیل شورای ملی سالمندان ۲۳ تبصره دارد و آیا اجرایی است، بدواً باید متذکر بشوم آیین‌نامه اجرایی جزء ۵ بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۶ می‌باشد که به اشتباه دیده شده به آن قانون تشکیل شورای ملی سالمندان گفته می‌شود. این آیین‌نامه تمامی افراد ۶۰ سال را سالمند تلقی کرده است. در این آیین‌نامه اهدافی مشخص شده که در راستای رسیدن به این اهداف و ساماندهی سلامت و رفاه سالمندان شورایی تحت عنوان شورای ملی سالمندان ترکیب مشخصی را تعریف کرده است و وظایف خاصی را برای آنها برشمرده است.

با عنایت به اینکه سند ملی سالمندان در شورای عالی سلامت توسط رییس‌جمهوری مصوب شده است و با توجه به اهداف و سیاست‌گذاری‌ها در آن سند، این بحث مطرح است که آیا اصولاً این آیین‌نامه جزء ۵ بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه قابلیت اجرایی دارد؟ که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه به سند ملی سالمندان با اختیار حاصله از ماده ۷ قانون احکام دائمی کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ و اهداف آن وسیع‌تر و دامنه‌ی شمول بیشتری دارد، عملاً دیگر این آیین‌نامه قابلیت اجرایی ندارد. اگرچه تاکنون شورای ملی سالمندان پابرجاست و حداکثر کارکرد آن تلاش در راستای اجرای سند ملی سالمندان است واقعیت این است که به‌رغم وجود این شورا نتیجه و تاثیر این آیین‌نامه و حتی سند ملی سالمندان تاکنون بسیار ناچیز بوده و بخش بسیار کمی از جامعه هدف را - آن هم با کمترین و ناچیزترین خدمات - دربرگرفته است.



پدیده سالمندی، ۲- توانمندسازی سالمندان با ایجاد و توسعه محیط‌های توانمند و افزایش دسترسی سالمندان به خدمات درمانی و توانبخشی. ۳- حفظ و ارتقاء سلامت جسمی، روانی و اجتماعی سالمندان از طریق توسعه کمی و کیفی اقدامات

و ۱۲۴۵ قانون مدنی) ممنوعیت تعیین اشخاص به‌عنوان قیم که خود یا اقربای طبقه اول وی دعوایی بر محجور داشته باشند (ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی) همگی از موارد حمایت قانون‌گذار از محجور سالمند می‌باشند.

اگر بخواهیم به‌طور خلاصه بگوییم ماده ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶ قانون مدنی و ماده ۴۸ تا ۱۲۵ قانون امور حسبی همگی به‌نوعی حمایت حقوقی از سالمند محجور در برابر اشخاص ثالث و معاملات سالمند محجور است.

چه پیشنهادی برای تغییر قوانین یا بهترشدنشان دارید؟

قطعاً تأمین و حمایت همه‌جانبه از حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سالمندان نیازمند تصویب قانونی جامع برای سالمندان است. جای این قانون که نگاهی جامع، فراگیر و شایسته به مقوله سالمندی داشته باشد خالی است. در تدوین چنین قانونی در ابتدا بایستی بر مسائل سالمندان تمرکز شود و منابع مالی آن تعریف شود. منابعی که با تغییر یک دولت یا وزیر یا مجلس در آن تزلزل ایجاد نشود، به‌نحوی که شخص سالمند دغدغه تامین حداقل معیشت و درمان را نداشته باشد. در این قانون بایستی توجه ویژه‌ای به آموزش همگانی از طرق مختلف به مقوله سالمندی، خصایص و نیازهای مرتبط با آن بشود. بخش‌های مختلف اجتماع، NGO ها (سازمان‌های غیردولتی) برای حمایت از این طیف تقویت شوند. همه سالمندان تحت پوشش بیمه فراگیر باشند. تمامی زیرساخت‌های شهری و روستایی متناسب با نیازهای سالمندان تعریف و عملیاتی شود و سازمان‌های مرتبط با آن ملزم و متعهد باشند به‌نحوی که عدم اقدام یا تدارک ندیدن ملزومات آن موجب پیگرد قرار گیرد. متولی امور سالمندان و نهاد خاصی با مشارکت و نظرخواهی از سالمندان تعیین شود. در باب حمایت‌های قانونی از سالمندان مضاف بر آموزش می‌بایست در بحث وقوع بزه علیه سالمندان تجدیدنظر شود، همانند کودکان؛ به‌عبارتی می‌بایست از طریق جرم‌انگاری یا تشدید مجازات جرم علیه سالمندان موجبات کاهش جرم در این زمینه بشود.

درباره تدوین سند ملی سالمندان بگویید و اینکه این سند چه اهدافی داشت و چقدر اجرایی شدند؟

این سند توسط رییس‌جمهور در جلسه شورای عالی سلامت به‌تصویب رسیده است. در این سند اهداف و سیاست‌هایی

در راستای اسناد و قوانین بالادستی چون قانون اساسی اصل ۲۹ و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شرایط وضع موجود و شرایط مطلوب مورد نظر (اهداف) احصاء شده است. اهداف این سند عبارتند از: ۱- ارتقاء سطح فرهنگی جامعه درخصوص

سالمندان نیازمند حمایتند



نقی محمودی

سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۲ سن ۶۰ سالگی را برای افراد سالمند تعریف می‌نماید. همین سن در آئین‌نامه‌های سازمان بهزیستی ایران نیز به عنوان آغاز سالمندی در نظر گرفته شده است. سالمندی اگر چه یک روند طبیعی در زندگی انسان‌هاست و نمی‌توان مانع حدوث آن شد، اما می‌توان با اتخاذ تدابیر و برنامه‌هایی زوال جسمی، روحی، عاطفی و شناختی در آنها را کاهش داد یا به تاخیر انداخت. با افزایش سطح زندگی و بهداشت در غالب کشورهای دنیا و کاهش آمار مرگ و میر و افزایش تولد، جمعیت سالمندان روز به روز در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۰ جمعیت سالمندی در جهان ششصد میلیون نفر برآورد شده است. اما در طول ۳۰ سال آینده سالمندان حدود ۱۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. سازمان بهداشت جهانی تخمین زده که تا آن زمان جمعیت سالمندان به ۲ میلیارد نفر برسد؛ پیش‌بینی سازمان ملل برای این سال ۱.۲ میلیارد نفر است. یعنی این‌که که به ازاء هر ۵ نفر جمعیت دنیا، یک نفر سالمند وجود دارد. به این ترتیب، نه فقط در کشورهای توسعه یافته، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز بخش بزرگی از جمعیت افراد را بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند و هر سال نسبت آن افزایش پیدا می‌کند. افزایش جمعیت سالمندان ایجاب می‌کند که جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، خود را برای سالمندی آماده نمایند.

لزوم قوانین حمایتی از سالمندان:

سالمندی معمولاً با آسیب‌پذیری همراه و همگام بوده است

و از این‌رو، با همان منطقی که در حقوق زنان و حقوق کودک وجود دارد، توجه به حقوق سالمندان نیز امری شایسته و بایسته است؛ با این تفاوت که آن دو نظام حقوقی به مراحل رشد خود رسیده‌اند اما حقوق سالمندان در آغاز راه خود است. سالمندان به دلیل ضعف جسمی، روانی و بیماری توانایی انجام بسیاری از کارهای روزمره خود را ندارند. همین امر آنها را آسیب‌پذیر می‌کند. این آسیب‌پذیری زمانی بیشتر می‌شود که حمایت‌های اجتماعی از سالمندان ضعیف باشد. در این صورت سالمند برای گذران زندگی نیازمند دیگران خواهد شد و به همین دلیل ممکن است که در معرض خشونت قرار گیرد. نمونه‌های خشونت خانگی را می‌توان خشونت علیه سالمندان دانست. گرچه به روشنی نمی‌توان گفت که خشونت به سالمندان در خانواده بیشتر از خشونت علیه سایرین است، اما بی‌تردید می‌توان گفت سالخوردگان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند و خشونت آسیب بیشتری به آن‌ها می‌زند.

خشونت خانگی علیه سالمندان موردهای مختلفی را در بر می‌گیرد. از جمله ترک سالمند از سوی فرزند، ضرب و جرح، توهین، تهدید، تمسخر، محدود کردن ارتباط با دیگران، تأمین نکردن هزینه زندگی سالمند، بی‌توجهی به وضعیت بهداشت و سلامتی و جلوگیری از درمان. این خشونت‌ها سالمند را منزوی کرده و موجب اضطراب او می‌شود. شناسایی، تبیین و حمایت از حقوق سالمندان، علاوه بر حقوق عامی که به عنوان یک شهروند دارند، باید توسط دولت‌ها مدنظر قرار گیرد و به‌خصوص قوه مقننه و قوه مجریه باید به وظایف و تعهدات خود در برابر این قشر عمل نمایند.



سالمندان در سیستم حقوقی ایران

در سیستم حقوقی ایران، چه در ارتباط با حمایت از سالمندان و چه در ارتباط با منع خشونت علیه سالمندان، قوانین خاصی وضع نشده‌اند. برخی از انواع خشونت و ارتکاب جرم علیه سالمندان، در قالب مقررات کلی، در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. به عنوان مثال ضرب و جرح سالمند یا توهین به وی در قالب مواد قانون مجازات اسلامی جرم بوده و فرقی بین سالمند و غیر سالمند ندارد. فقط در مواردی وضعیت جسمی سالمند در جنایات مورد توجه قرار گرفته است. (بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی) همچنین تدابیر پیش‌گیرانه و حمایت از قربانیان سالمند خشونت خانگی در قوانین ایران وجود ندارد. در این زمینه گرچه برخی تلاش‌های قانونی در این زمینه شده است، اما این تلاش‌ها تا کنون عملی نشده است. به عنوان مثال در قانون برنامه سوم توسعه به رسیدگی به وضعیت سالمندان تاکید شده است. در این راستا ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی جزء (۵) بند (الف) ماده (۱۹۲) این قانون اشاره کرده که: «به منظور پیشگیری از اعمال خشونت علیه افراد سالمند در خانواده و جامعه ضروری است دستگاه‌های ذی‌ربط ضمن پیشنهاد و جلب حمایت‌های قانونی اقدامات لازم را انجام دهند».

صرفاً در قانون اساسی، مواردی آن هم به صورت کلی، در مورد سالمندان مورد توجه قرار گرفته‌است. بند چهارم اصل بیست‌ویکم قانون اساسی دولت را موظف به ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست کرده و اصل بیست و نهم قانون مذکور مقرر داشته است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.» متأسفانه عملاً حمایت‌های مقرر در اصول مذکور با به صورت کلی و یا به صورت جزئی در مورد سالمندان صورت نمی‌گیرد. ادارات بهزیستی، با توجه به عدم اختصاص بودجه‌ی لازم از تأمین لوازم ضروری سالمندان اجتناب می‌کند. از سوی دیگر برخی از خدمات درمانی ارائه شده به سالمندان تحت پوشش بیمه‌ی خدمات درمانی قرار ندارد.

بدون شک برخورداری از خدمات اجتماعی رایگان و بهره‌مند شدن از درمان رایگان و همچنین مستمری، تا حد قابل توجهی سالمند را مستقل کرده و مجبور نخواهد کرد که برای گذران زندگی خشونت‌های دیگران را تحمل کند. به عبارتی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده سالمند آزاری، استقلال اقتصادی



سالمند است. اگر ساز و کارهایی پیش‌بینی شود که بر اساس آن سالمند درآمد کافی داشته و برای تامین هزینه‌های زندگی نیازمند فرزندان یا دیگران نباشد، بخشی از سالمند آزاری در جامعه برچیده خواهد شد.

از دیگر مواردی که مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته، جرم‌انگاری ترک نفقه سالمند است. بر اساس قانون مدنی ایران، پدر یا مادر از افراد واجب‌النفقه هستند و اولاد موظف هستند که در صورت ناتوانی آنها، هزینه‌هایشان را پرداخت کنند. بر طبق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده، چنانچه فردی با داشتن توانایی مالی نفقه را پرداخت نکند، مجرم بوده و با شکایت شاکی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. این جرم‌انگاری شاید موظفین به پرداخت نفقه را از ترک وظیفه بازدارد، گرچه در بسیاری از موارد والدین از فرزندان خود به دلیل ترک نفقه شکایت نمی‌کنند. بنابراین این ماده در عمل نتوانسته با خشونت اقتصادی فرزندان علیه والدین سالخورده مقابله کند. از دیگر اقدامات حمایتی ایجاد مکان‌هایی مناسب با شأن سالمندان برای زندگی آنها است. به هر حال در سال‌های اخیر با رشد شهرنشینی و تغییر در فرهنگ، تعداد سالمندانی که توسط فرزندان به خانه سالمندان سپرده می‌شوند رو به

افزایش است. خشونت خانگی زمانی رخ داده و تکرار می‌شود که قربانی مجبور به زندگی در کنار خشونت‌گر باشد.

حمایت از سالمندان در اسناد بین‌المللی

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ شورای جهانی سالمندان را تأسیس کرد و بلافاصله طرحی را جهت تعیین یک روز جهانی برای سالمندان ارائه داد. در سال ۱۹۹۰ شورای مذکور روز اول اکتبر را به عنوان روز جهانی سالمندان نامگذاری کرد. همچنین با احساس ضرورت توجه ویژه به وضعیت سالمندان و حمایت‌های لازم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۶/۹۱ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ اصول زیر را با عنوان «اصول ملل متحد برای سالمندان» برای حمایت از سالمندان مقرر نموده و از دولت‌ها درخواست کرده تا آنها را در برنامه‌های ملی خود بگنجانند.

قطعنامه ی مذکور در زمره اسناد بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود و به دلیل این که صرفاً حقوق اشخاص سالمند را مورد حمایت قرار داده، در زمره اسناد خاص بین‌المللی طبقه‌بندی می‌شود. با این وصف، این قطعنامه، از اسناد غیر الزام‌آور محسوب و الزامی، حتی برای دولت‌هایی

که به تصویب آن رأی مثبت داده‌اند، ایجاد نمی‌نماید و صرفاً واجد ارزش اخلاقی است. اصول مهمی که در این قطعنامه مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از :

الف: استقلال

نخستین اصل مهمی که در ارتباط با حمایت از سالمندان مورد توجه قرار گرفته، اصل استقلال آنهاست. به منظور تضمین تحقق استقلال سالمندان در ابعاد مختلف، مواد یک تا شش قطع‌نامه حاضر، مراعات این امور را برای آنها ضروری دانسته است:

۱ - دسترسی به غذا، آب، سر پناه، پوشاک و مراقبت بهداشتی کافی، خانواده، درآمد از طریق حمایت اجتماعی و خود اتکایی (ماده ۱)

۲ - داشتن فرصت شغلی یا مجال دستیابی به دیگر مشاغل درآمدزا (ماده ۲)

۳ - حق مشارکت در تعیین زمان و شیوه ترک کار (ماده ۳)

۴ - دسترسی به برنامه‌های مناسب پرورشی و آموزشی (ماده ۴)

۵ - حق زندگی در محیط زیست ایمن و متناسب با توانایی‌های سالمندان برای اعمال ترجیحات و تغییرات شخصی (ماده ۵)

۶ - فراهم بودن امکان اقامت سالمندان در منزل تا هر مدت طولانی (ماده ۶).

ب: مشارکت

۱ - امکان دسترسی و توسعه فرصت‌هایی برای خدمت به جامعه و انجام خدمات داوطلبانه در شرایط متناسب با علایق و توانایی‌های سالمندان (ماده ۸)

۲ - تشکیل جنبش‌ها و مجامعی برای سالمندان (ماده ۹)

ج. مراقبت

مراقبت و محافظت از سالمندان یکی دیگر از اصول بسیار مهمی است که جهت تحقق آن، امور مختلفی در ابعاد گوناگون باید مراعات شود. از این جهت، قطع‌نامه حاضر برای تحقق اصل محافظت و مراقبت از سالمندان رعایت و تحقق امور زیر را طی مواد دهم تا چهاردهم توصیه کرده است:

۱ - بهره‌مندی از مراقبت و حمایت خانواده و اجتماع بر اساس نظام ارزش‌های فرهنگی جامعه (ماده ۱۰)

۲ - دسترسی به مراقبت بهداشتی به منظور کمک به حفظ یا بازپروری سطح سلامت و آرامش بدنی، ذهنی و عاطفی و پیشگیری یا تأخیرانداختن زمان شروع بیماری.

۳ - دسترسی به خدمات اجتماعی و حقوقی برای ارتقای استقلال شخصی، حمایت و مراقبت (ماده ۱۲)

۴ - بهره‌مندی از سطوح مناسب مراقبت به وسیله مراکز حمایتی، توان بخشی و ایجاد انگیزه‌های اجتماعی و روانی در فضایی انسانی و ایمن (ماده ۱۳)

۵ - برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله احترام کامل به کرامت، عقیده، نیازها، حریم خصوصی و حق اتخاذ تصمیم درباره مراقبت بهداشتی و کیفیت زندگی به هنگام اسکان در هر سر پناه با هر امکان مراقبتی و درمانی (ماده ۱۴)

د. خودسازی

برای آن که سالمندان بتوانند به خودسازی و خود شکوفایی لازم دست یابند، باید فرصت‌هایی را برای توسعه کامل توانایی‌های بالقوه خود داشته باشند (ماده ۱۵) و علاوه بر این به امکانات و منابع آموزشی، فرهنگی، معنوی و تفریحی جامعه دسترسی داشته باشند (ماده ۱۶)

ه. کرامت

جهت تحقق اصل کرامت سالمندان که مهمترین اصل حقوق بشری نیز محسوب می‌شود و حقوق بشر از کرامت ذاتی شخص انسان ناشی می‌شود، قطع نامه طی مواد هفده و هیجده، رعایت امور زیر را ضروری می‌داند:

۱ - امکان زندگی در کرامت و امنیت و آزادی از بهره‌کشی و سوء استفاده‌های جسمی یا ذهنی (ماده ۱۷)

۲ - رفتار منصفانه و عادلانه با سالمندان، بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت، نژاد یا سوابق قومی، ناتوانی (معولیت) یا دیگر وضعیت‌ها و ارزش گذاری صرف نظر از میزان مشارکت اقتصادی آنها.

توصیه و پیشنهاد:

حمایت کیفری از سالمندان به عنوان قشر آسیب‌پذیر و در معرض بزه‌دیدگی، هم‌طراز با حمایت کیفری از کودکان و زنان، بایستی از سوی دولت ایران مطمح نظر قرار گیرد.

اختصاص خطوط ویژه ی تلفنی اورژانسی برای حمایت از سالمندان در صورت بزه‌دیدگی یا بروز سانحه، همچنین تقبل کلیه‌ی هزینه‌های لوازم ضروری از قبیل صندلی چرخ‌دار، عصا، پوشک و... درمان و نگهداری و مراقبت از آنها در بیمارستان‌هاو مراکز بهزیستی است. در صورتی که خانواده‌ی سالمند حاضر به نگهداری از او نباشند، مثل اکثر کشورهایی که نگهداری از سالمندان تحت پوشش بیمه است، آنان باید در خانه‌ی سالمندان نگهداری شوند. همچنین وجود مجازات‌های مشدد در قوانین کیفری در ارتباط با سالمند آزاری و خشونت نسبت به سالمندان ضروری می‌نماید.

سالمندان و قوانین در ایران



عسل همتی

محمد اولیایی‌فرد، حقوق‌دان و وکیل پیشین دادگستری، معتقد است که در حوزه حقوق سالمندان بایستی قوانین حمایتی پراکنده جمع شود و به شکل یک قانون خاص نمود پیدا کند. به عقیده او، قوانین خاص کمک‌کننده‌اند، اما همین قوانین پراکنده هم اجرایی نمی‌شوند.

گفت‌وگوی مجله حقوق ما با محمد اولیایی‌فرد را در ادامه می‌خوانید:

حقوق سالمندان چه جایگاهی در منشور حقوق شهروندی دارد؟

در وهله اول باید دید که حقوق سالمندان در عرصه و اسناد بین‌المللی شناخته شده یا نه، یعنی بحث جهانی بودن حمایت از سالمندان. این موضوع آنقدر مهم است که سازمان ملل در قطع‌نامه شماره ۹۱۴۶ خود مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ اصول استقلال، مشارکت، مراقبت، خودسازی و کرامت سالمندان را به عنوان اصول ملل متحد برای حمایت از آنان مقرر کرده است و درواقع در قطع‌نامه‌ای که شامل یک مقدمه و ۱۸ ماده است، از دولت‌ها خواسته تا از سالمندان حمایت کنند. البته تنها این نیست و به طور کلی در اعلامیه حقوق بشر و میثاقین

بین‌المللی هم به این موضوع توجه شده است. اما چیزی که از لحاظ بین‌المللی مختص سالمندان است همین قطع‌نامه سال ۱۹۹۱ است. حالا وضعیت ایران نسبت به این قطع‌نامه چیست؟ در کمال تعجب، ایران به این قطع‌نامه رأی مثبت نداده است، حالا چرا رأی نداده؟ خیلی جالب است. درواقع ایران رأی مثبت نداده و تصویبش نکرده و به این لحاظ می‌توان گفت که خب تعهد بین‌المللی نسبت به سالمندان از این منظر ندارد. اما از آنجایی که سایر اسناد بین‌المللی مثل اعلامیه حقوق بشر و میثاقین را امضاء کرده است و بخشی از این اسناد مربوط به حقوق سالمندان و کرامتشان می‌شود، در این قسمت دارای تعهد بین‌المللی است. یعنی ایران به سند خاص سالمندان رأی منفی داده است اما در عمومیات اسناد بین‌المللی را به امضاء رسانیده است.

حالا می‌رویم سراغ ام‌القوانین یا قانون اساسی. هر چیزی که در قانون اساسی وجود داشته باشد، قانون‌گذار را موظف می‌کند تا قانون عادی‌اش را فراهم کند. در بند چهارم اصل بیست‌ویکم قانون اساسی تاکید زیادی بر بیمه سالمندان شده است خصوصاً زنان سالخورده و همچنین در اصل بیست‌ونهم هم بحث تامین اجتماعی سالمندان را از نظر حقوق بازنشستگی، بیکاری، از کار افتادگی، پیری، بی‌سرپرستی،

درراه ماندگی، حوادث، سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، مراقبت‌های پزشکی و... را درنظر گرفته که برای آحاد ملت عمومیت دارد که سالمندان نیز جزئی از آنند. اصل سی‌ویکم هم به مسکن مناسب پرداخته که شامل سالمندان هم می‌شود.

پس اصول بالا تنها مختص به سالمندان نیست، بلکه بین تمام اقشار عمومیت دارد که سالمندان هم جزوی از آنها هستند.

بله. اما بند چهارم اصل بیست‌ویکم مختص سالمندان و زنان سالمند است که این بند در قانون اساسی است. حال باید دید که قانون اساسی که در مورد سالمندان صحبت کرده در قوانین عادی‌اش مسئله سالمند چقدر ظهور و بروز پیدا کرده است؟ در قوانین عادی در واقع قانون خاص سالمندان را تنها در جزء ۵ بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه داریم. این قانون سازمان بهزیستی کشور را مکلف کرده تا سالمندان را ساماندهی کرده و آیین‌نامه اجراییش تهیه شده که ساماندهی و بهبود روش زندگی، ارتقاء کیفیت، رضایت از زندگی سالمندان و وضعیت رفاهی و بهداشتی آنان در آیین‌نامه آمده و یکسری از نهادها را موظف کرده و نهاد اصلی و متولی آن سازمان بهزیستی است.

در کنار بهزیستی سایر سازمان‌ها نیز وجود دارند که کمک می‌کنند. ماده ۲۲ این آیین‌نامه اجرایی درمورد خشونت علیه سالمندان است که دستگاه‌ها را موظف به حمایت کرده است. که سند ملی سالمندان هم در راستای بند الف ماده ۱۹۲ قانون برنامه توسعه قرار دارد که شورا تشکیل شود و از هر نهادی فردی بیاید و...

تنها حمایتی که قانون

مدنی نسبت به

سالمندان دارد در ماده

۴۲ وجود دارد که

فرزند را موظف می‌کند

تا به والدین سالمندش

نفقه بدهد.

این قوانین اصلاً اجرایی شده‌اند؟

قوانین برنامه پنج‌ساله بدین گونه است که در پنج سال پیش رو بایستی انجام شود و بعد از اتمام پنج سال مورد نظر به قانون برنامه بعدی پرداخته می‌شود. ما قانون برنامه اول، دوم، سوم و چهارم توسعه را داشتیم و گمان کنم الان در پنج‌ساله شش باشد. این قانون در برنامه سوم توسعه بوده و اگر کاری صورت گرفته در همان زمان بوده و الان کسی دنبال آن نیست و مدت‌زمانش هم به پایان رسیده است.

حالا امکانش وجود دارد که سازمان بهزیستی برنامه‌های جزئی‌ای داشته باشد ولی آن شدت و حدت اجرای قوانین دیگر وجود ندارد چون تنها در برنامه سوم بوده. پس تنها قانون خاص مربوط به برنامه سوم توسعه است. قوانین خاص



ماده ۶۴۲ وجود دارد که فرزند را موظف می‌کند تا به والدین سالمندش نفقه بدهد و در صورت نیاز آنان خوردوخوراکشان را تهیه کند. چنین والدینی واجب‌النفقة هستند و حتی می‌توانند در این مورد از فرزندشان شکایت کنند. تنها حمایت قانون مدنی این ماده است.

خشونت علیه سالمندان از منظر حقوقی چه مصادیقی دارد؟

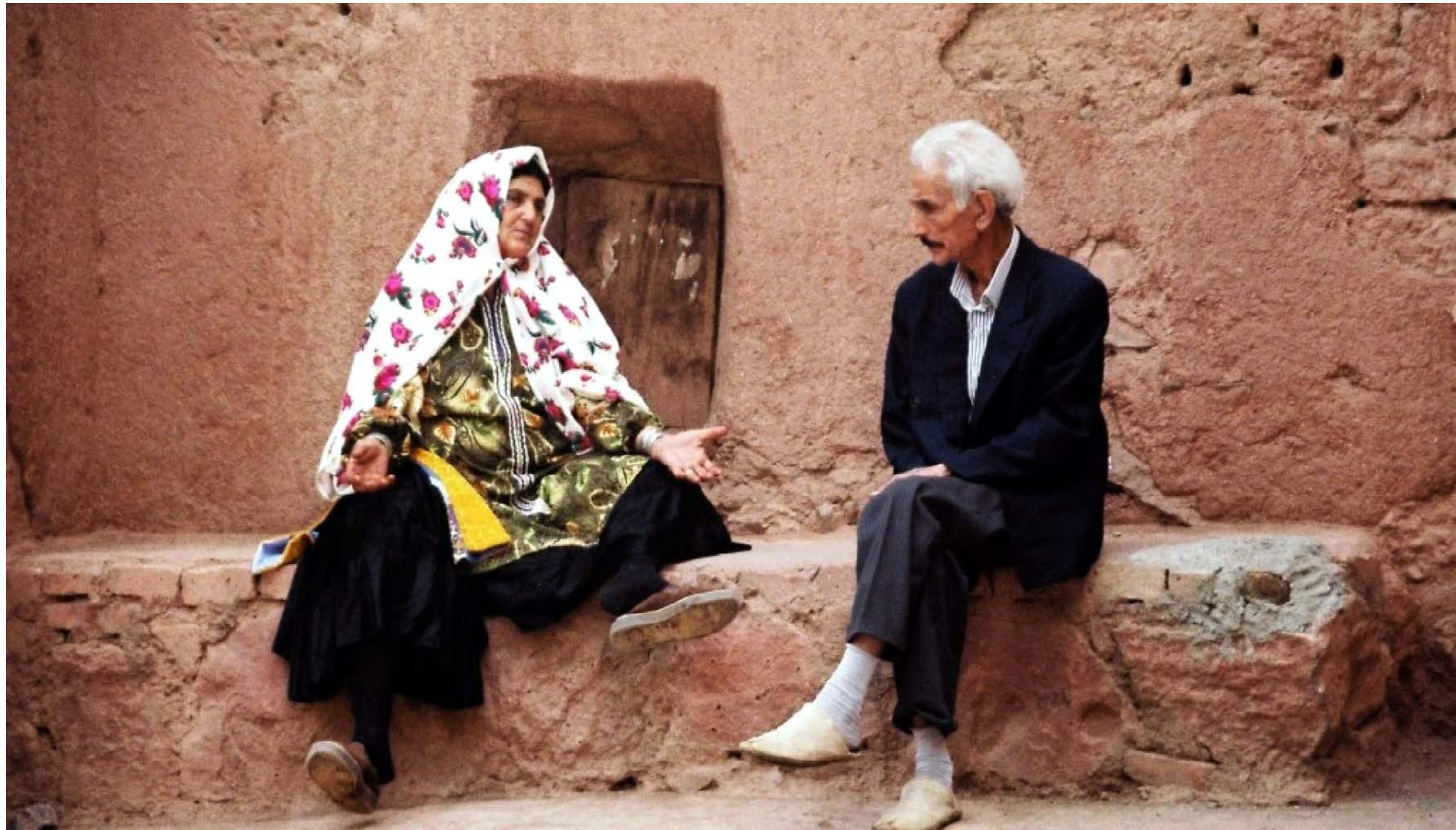
هر فردی ممکن است در معرض انواع خشونت‌های جنسی، جسمی، روانی، اقتصادی و... قرار بگیرد و طبعاً سالمندان هم مستثنا نیستند؛ اما در مورد سالمندان دو نوع خشونت وجود دارد که بیشتر در معرض هستند: یکی خشونت روانی و دیگری خشونت اقتصادی.

خشونت روانی یعنی بی‌احترامی و تحویل نگرفتن و منع از تفریحات و مسخره کردن و بی‌توجهی به سخنان سالمند و... که سبب از بین رفتن اعتماد به نفسشان شده و یاس و ناامیدی را در سالمند افزایش می‌دهد. چنین سالمندی دچار ترس و حقارت می‌شود و ممکن است تاجایی پیش رود که باعث کناره‌گیری سالمند از خانواده‌اش شود و این اتفاق بسیار رایج است.

خشونت رایج دیگر خشونت اقتصادی است. اگر سالمندی برای دوران سالخوردگی‌اش اندوخته‌ای فراهم کرده باشد که جزو این دسته قرار نمی‌گیرد؛ در غیر این صورت محتاج فرزندانش می‌شود و ممکن است خانواده به او رسیدگی نکنند و سالمند در مضیقه قرار می‌گیرد. بحث دیگر در همین رابطه این است که فرزندان در مورد استقلال اقتصادی سالمند تصمیم می‌گیرند. مثلاً معتقدند که والدین پیر شده‌اند و توانایی کنترل مسائل مادی مثل حساب بانکی‌شان را ندارند و با وکالت گرفتن از آنها اینگونه موارد را تحت کنترل خودشان می‌گیرند.

نهادهای جامعه مدنی چه سهمی در اجرا یا تحول قوانین مربوط به حقوق سالمندی دارند؟

جامعه مدنی و دستگاه‌های حکومتی بایستی با تبلیغات و قوانین حمایتی سبب حفظ جایگاه والدین شوند تا به شکل افسارگسیخته‌ای پیش نرویم. قوانین در ایران ویتترین است. اجرای قوانین اهمیت دارد که متأسفانه اجرا نمی‌شود. بایستی قوانین حمایتی پراکنده جمع شود و به شکل یک قانون خاص نمود پیدا کند. چون قوانین خاص کمک‌کننده‌اند، اما همین قوانین پراکنده هم اجرایی نمی‌شوند.



عمدی است. یعنی اگر فردی کشیده‌ای به گوش پیرمردی بزند به‌رغم اینکه کشیده کشنده نیست، شخص مسن فوت کند آن‌را جنایتی عمدی قلمداد می‌کنند. این نمونه‌ای از قانون مجازات اسلامی بود. قانون حمایتی دیگری که در بحث قوانین مجازات اسلامی قرار دارد ماده ۶۳۳ است که در آن آمده اگر کسی طفل یا شخصی را که قادر به محافظت از خود نیست - مثل افراد مسن - در محلی خالی از سکنه رها کند، مجازات می‌شود.

در قانون مدنی چه حمایت‌هایی وجود دارد؟
تنها حمایتی که قانون مدنی نسبت به سالمندان دارد در

می‌دهند. در مواد ۴۰ و ۴۶ کهولت سن می‌تواند موجبات تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات باشد. برای مثال اگر فرد سالمندی برای نخستین‌بار مرتکب جرمی شود، از جرمش چشم‌پوشی می‌کنند، به شرطی که تعزیری باشد. حمایت دیگر قانون این است که در ماده ۲۹۰ در مورد جنایت عمدی در بند پ آمده است که هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن‌را نداشته باشد - یعنی متهم نمی‌خواسته که قتل انجام دهد و کاری هم که انجام داده در مواجهه با یک فرد عادی کشنده نبوده است - اما نسبت به فردی که به دلیل بیماری یا کهولت سن در وضعیت خاصی باشد این جنایت

حمایتی در مورد سالمندان در قانون اساسی وجود ندارد، اما قوانین حمایتی پراکنده‌ای وجود دارد. برای مثال یک نمونه از قانون مجازات اسلامی وجود دارد که در ماده ۳۸ می‌گوید وضع خاص متهم، از قبیل کهولت، به‌عنوان یکی از جهات تخفیف در مجازات است.

خب! می‌توان به این قانون به چشم یک قانون حمایتی نگاه کرد. اگر یک فرد ۷۰ ساله جرمی مرتکب شد به شرط تعزیری بودن جرمش - چون تخفیف در تعزیر است و نه در حدود - حبس کمتری به او می‌دهند. برای فرد عادی‌ای که ضرب و جرح می‌کند علاوه بر دیه حبسی دو تا پنج سال در نظر می‌گیرند اما به فرد سالمند به دلیل کهولت سن حبس کمتری

سالمندان و حقوق از دست رفته



معین خزالی

از منظر علم حقوق، تمامی انسان‌ها به طور کلی و به مجرد تولد از حق ذاتی «تمتع» برخوردار بوده و بر این اساس از زمان وارد شده به این دنیا تا زمان مرگ دارای حقوق ذاتی مدنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند. از این رو هیچ انسانی را نمی‌توان به دلیل وضعیت جسمی، جنسی، ژنتیکی، عقلی، روحی و مهمتر از همه سنی از حقوق خود محروم کرد. با این حال، علی‌رغم الزام و وجوب این حق برای همه انسان‌ها با هر وضعیتی، برخی از افراد ممکن است به دلایلی از جمله زوال عقل، صغر سنی، جنون و یا دیگر مشکلات روانی توانایی استیفاء این حق را نداشته و از این رو اهلیت دخل، تصرف و تصمیم‌گیری در مورد حقوق مالی، مدنی و یا اجتماعی خود را نداشته باشند. در چنین شرایطی قانون به عنوان عاملی حمایتگر از این افراد پشتیبانی کرده و ساز و کار و چگونگی دارا شدن اهلیت استیفاء در این افراد را با توجه به وضعیت خاصشان مشخص می‌کند.

در این میان اما، برخی دیگر از افراد جامعه، مانند سالمندان و یا افراد دارای معلولیت خاص، با وجود دارا بودن اهلیت استیفاء، اما به دلایلی (کهلوت سن، ناتوانی در تجزیه و تحلیل، ناتوانی بدنی در دفاع از خود) توان مورد نیاز برای استیفاء حقوق خود را نداشته و از این رو نیازمند قوانین پشتیبان هستند. سالمندان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه، از جمله این گروه از افراد محسوب شده و به دلیل شرایط خاص سنی،

جسمی و در مواردی قوه ادراکی، عموماً توان تلاش برای استیفاء و دسترسی به حقوق و آزادی‌های خود را نداشته و بر این اساس بیشتر در معرض نقض حقوق خود قرار می‌گیرند. سالمندان غالباً به دلیل ضعف‌هایی که کهلوت سن برای آنها به ارمغان می‌آورد؛ از جمله کاهش قوای جسمانی و ذهنی، و همچنین کاهش استقلال فردی، نیاز به حمایت مداوم دیگران داشته و این وابستگی خود سبب آسیب‌پذیرتر کردن موقعیت آنان خواهد شد. در نتیجه سالمندان به طور معمول ممکن است بیشتر در معرض خشونت‌های اجتماعی، خشونت‌های فردی، عدم رسیدگی مالی و نیز عدم حمایت‌های اجتماعی قرار گیرند. از این رو لازم است تا برای از بین بردن خلاء ناشی از عدم توان برای استیفاء حقوق، و نیز جلوگیری از هرگونه تبعیض علیه آنان و نقض مداوم حقوقشان، قوانین حمایتی ویژه اندیشیده شود تا بتوان با بهره‌گیری از آنها به این مهم دست یافت.

سالمندان در نظام حقوق بین‌الملل

حساسیت و اهمیت موضوع حمایت‌های قانونی از سالمندان، به ویژه با افزایش سن امید به زندگی در دهه پایانی قرن بیستم، و همچنین لزوم وجود اجماعی جهانی در این مورد سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد را در دسامبر ۱۹۹۱ بر آن داشت تا با تصویب قطع‌نامه‌ای با نام «اصول ملل متحد» ضمن تاکید بر الزام پرداختن به حقوق سالمندان به



عنوان موضوعی مستقل و مجزا و همچنین بازشماری تعدادی از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق این قشر به عنوان قشری آسیب‌پذیر در جامعه، از کشورهای عضو بخواهد توجه ویژه‌ای در برنامه‌های خود، به ویژه تدوین قوانین مورد نیاز، در این زمینه مصروف دارند.

این قطع‌نامه که در ۱۸ ماده و پنج سرفصل (استقلال، مشارکت، مراقبت، خودسازی و کرامت) تنظیم شده اصلی‌ترین و در حقیقت تنها سند جهانی در زمینه حقوق سالمندان بوده و علی‌رغم تمامی تلاش‌های بین‌المللی هنوز هیچ سند دیگری در این زمینه، نتوانسته اجماعی جهانی کسب کند. تأکید بر حق داشتن استقلال مالی و زندگی در محیط آرام و امن، حق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، حق دسترسی به برنامه‌های آموزشی و پرورشی و نیز حق برخورداری از کرامت انسانی از جمله اصلی‌ترین اصولی هستند که این قطع‌نامه به آنها پرداخته است.

در عین حال این سند نیز مانند «اعلامیه جهانی حقوق بشر» از منظر حقوقی الزام‌آور نبوده و هیچ تعهد یا تضمین خاصی را، نه برای دولت‌ها و نه برای سالمندان، به عنوان موضوع سند ایجاد نمی‌کند. اما از آنجا که این سند تنها سند حقوق بشری مربوط به حقوق سالمندان است از این رو می‌توان آن را از

نیاز به قوانین مستقل و

مشخص در مورد حمایت

از حقوق سالمندان

به‌شدت احساس می‌شود

و آگاهی‌بخشی در این

زمینه می‌تواند راهگشا

باشد.

اساساً ضمانت اجرایی برای تخلفات احتمالی و رسیدگی به آنها پیش‌بینی نکرده است. به علاوه، در این آیین‌نامه هیچ اشاره‌ای به مشکلاتی که سالمندان به دلایل خلاءهای قانونی ممکن است با آن مواجه شوند نشده است.

از این رو، اگرچه صرف وجود چنین دستور العملی خطاب به نهادهای دولتی برای تخصیص منابع خود در حمایت از سالمندان مهم است، اما میزان اجرایی شدن آن محل سوال است. ضمن اینکه در عمل این آیین‌نامه به هیچ وجه توان پتانسیل تأمین حقوق سالمندان به مانند قانون را ندارد.

نیاز به قوانین جدید

امروزه تعداد قابل توجهی از نظام‌های حقوقی با تصویب و تدوین قوانین مستقل و مشخص اقدام به شناسایی حقوق سالمندان کرده‌اند. بر این اساس تعیین و تعریف سن دقیق سالمندی، اصلاح قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری با توجه به کهولت سن افراد سالخورده برای تسریع در روند رسیدگی به پرونده احتمالی آنان و جلوگیری از اطاله دادرسی، تخصیص حمایت‌های ویژه مشاوره‌ای از سوی دستگاه دادگستری برای ارایه مشورت‌های حقوقی و قضایی به سالمندان، به‌ویژه در زمینه نقل و انتقال اموال و یا پیگیری‌های کیفری در موارد مواجهه با خشونت، حمایت‌های قانونی در جلوگیری از بازنشستگی اجباری سالمندان، تأکید بر ممنوعیت اعمال تبعیضات شغلی بر اساس سن و نیز مهمتر از همه شناسایی رسمی و قانونی سالمندان به عنوان قشر آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت، از جمله قوانینی هستند که در این زمینه می‌توانند به شدت مفید واقع شوند.

به عنوان مثال، در زمینه خشونت اقتصادی، در حالیکه در برخی از نظام‌های حقوقی تلاش برای فریب اقتصادی، کلاهبرداری و سوء استفاده مالی از سالمندان به طور ویژه مورد جرم‌انگاری قرار گرفته، در ایران در صورت مواجهه سالمندان با این موارد روند رسیدگی به آن تابع قوانین کلی قانون مجازات اسلامی در زمینه جعل، کلاهبردای و فریب است. این در حالی است که اساساً به طور معمول احتمال تحت تأثیر اکراه و یا اجبار قرار گرفتن یک فرد سالمند به دلیل شرایط او بسیار بیشتر از یک فرد عادی بوده و به طور کلی شرایط وقوع جرم علیه او بسیار محتمل‌تر است.

از این رو، نیاز به قوانین مستقل و مشخص در زمینه شناسایی و حمایت از حقوق سالمندان، به ویژه در شرایطی که آمار خشونت‌ها، تبعیض‌ها و نقض حقوق سالمندان در ایران رو به افزایش است، به شدت احساس شده و نقش وکلا، کنشگران و فعالان حقوق مدنی و اجتماعی در آگاهی بخشی در زمینه این مسأله می‌تواند راهگشا باشد.



«شورای ملی سالمندان»، نهادی تشریفاتی یا کاربردی؟

خلاءهای فراوان قانونی و نیاز به قوانین و دستورالعمل‌های ویژه برای حمایت از سالمندان و حقوقشان دولت جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا در سال ۱۳۹۱ شورایی با عنوان «شورای ملی سالمندان» را بر اساس قانونی با نام «قانون تشکیل شورای ملی سالمندان» که در حقیقت آیین‌نامه‌ای اجرایی از سوی دولت سال ۱۳۸۳ بود، برای رسیدن به این هدف تشکیل دهد. در ماده ۲ این آیین‌نامه آمده که هدف از تشکیل این نهاد «فراهم کردن امکان تداوم حضور سالمند در جامعه، تأکید بر حفظ موقعیت و جایگاه سالمند در خانواده، تأمین حداقل نیازهای اساسی سالمندان نیازمند در کشور، تأکید بر حفظ احترام، شأن و حرمت سالمند و فراهم کردن امکان مشارکت مردم، انجمن‌ها و موسسات غیردولتی» عنوان شده است. در عین حال اما، قانون تشکیل این سازمان بیشتر از آنکه قانونی لازم الاجرا با ضمانت اجرایی قضایی و متضمن احقاق حقوق سالمندان باشد، آیین‌نامه‌ای اجرایی جهت تعیین تکالیف نهادهای دولتی برای فعالیت در زمینه تأمین رفاه سالمندان است.

به عنوان مثال، در تمامی ۲۳ ماده این آیین‌نامه هیچ اشاره‌ای به لزوم تصویب قوانین حمایتی حقوقی و قضایی و یا همکاری با دستگاه قضایی و یا نمایندگان مجلس جهت پیشنهاد تصویب این قوانین نشده است. ضمن اینکه آیین‌نامه مزبور

توأمان متضمن نکات مثبت و منفی بوده و از این جهت که استقلال فرد سالمند را بدون توجه به میزان سن او به رسمیت شناخته قابل تامل است. مگر اینکه بر اساس ماده ۱۲۱۸ این قانون، آن هم با توجه به ضوابط کلی قوانین مربوط به محجوریت، زوال عقلی فرد مورد نظر به دلیل کهولت سن و آن هم با تشخیص پزشکی قانونی اثبات شود که در آن صورت می‌توان به دستور دادگاه برای وی قیم منصوب کرد.

از طرف دیگر اما این عدم شناسایی کهولت سن به عنوان عاملی در بروز محجوریت سبب شده تا از منظر قانونی نیاز به قوانین حمایتی برای سالمندان در زمینه استیفاء و یا تأکید بر حقوقشان احساس نشود. به عنوان مثال قانون مدنی ایران در زمینه سالمندانی که به دلیل کهولت سن دچار ناتوانی جسمی و نه عقلی شده و توانایی فیزیکی لازم برای اداره اموال خود را ندارند ساکت بوده و به هیچ وجه اشاره‌ای به این مسأله نکرده است. اگرچه بر اساس ماده ۱۰۳ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۰۹، این افراد می‌توانند از دادگاه بخواهند تا فردی به عنوان امین برای اداره اموال آنها معین شود.

با این وجود به دلیل رویکرد تقریباً منفعلانه قانون مدنی ایران در برابر حقوق سالمندان، فقر قوانین حمایتی مرتبط با آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی آنان به شدت احساس می‌شود.

نظر اهمیت با اعلامیه جهانی حقوق بشر برابر دانست. ضمن اینکه تصویب این سند سبب توجه ویژه بسیاری از کشورها به موضوع حقوق سالمندان در جامعه شد؛ به نحوی که تعداد قابل توجهی از آنها اقدام به تصویب قوانینی در این زمینه در حقوق داخلی خود کردند.

حقوق سالمندان در ایران

به طور کلی رویکرد قوانین موضوعه ایران به حقوق سالمندان رویکردی ضعیف و عاری از هرگونه شناسایی بوده و از این رو می‌توان گفت موضوع حقوق سالمندان در ایران به شدت از فقر قوانین و مقررات رنج می‌برد. بر این مبنا قانون مدنی ایران به عنوان شالوده اصلی تضمین‌کننده حقوق فردی، مدنی و اجتماعی افراد در این کشور، بر خلاف رویکردی که در برابر «صغر سن» دارد، اساساً کهولت سن را به عنوان عاملی موثر در بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از اهلیت استیفاء به رسمیت نشناخته است. از این رو بنا بر قانون مدنی ایران، افزایش سن تأثیری در توانایی افراد در تلاش برای استیفاء حقوقشان نداشته و از دلایل موثر در «حجر» محسوب نمی‌شود.

بدین سبب روشن است که به صرف کهولت سن فردی، هر چقدر هم زیاد، نمی‌توان او را از اجازه دخل و تصرف در اموالش و در نتیجه استقلال مالی به دلیل محجور بودن محروم کرد. این رویکرد قانون مدنی در عین حال به صورت

دو روی یک سکه؛ آزمایش بکارت و مهریه



بهروز جاویدتهرانی
فعال حقوق بشر و فعال حقوق جنسیت‌ها
مقاله دریافتی

توضیح مجله حقوق ما: مقالات و مصاحبه‌های مندرج در شماره ۸۵ مجله حقوق ما که به موضوع اخلاق پزشکی در مواردی چون معاینه بکارت و قصاص عضو و نفس پرداخته بود، با واکنش‌های مثبت و همچنین انتقادهای گروهی از خوانندگان و صاحب‌نظران روبه‌رو شد. بهروز جاوید تهرانی، فعال حقوق بشر، مطلب زیر را در مورد مطالب شماره ۸۵ نوشته که بدون کم و کاست، منتشر می‌شود:

شماره ۸۵ مجله «حقوق ما» به موضوع اخلاق پزشکی در آزمایش بکارت و اجرای احکام قصاص عضو و نفس پرداخته بود. از آن رو که تقریباً اکثر نویسندگان و مصاحبه‌شوندگان محترم این شماره «حقوق ما» به دلایل اعتقادات خاص یا عدم اشراف به موضوع نتوانستند موضوع آزمایش بکارت را از تمام زوایای آن مورد بررسی و نقد قرار دهند، بر آن شدم تا این مطلب کوتاه را برای مخاطبان این مجله بنویسم.

بدون شک تست بکارت در ایران ریشه در حس مالکیتی دارد که در طی یک ازدواج سنتی، زن و مرد نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند. در این شکل ازدواج که بیشتر آن به همراه اسلام وارد ایران و فرهنگ ایرانی شده، به‌خصوص زن شکلی

از کالا را پیدا می‌کند که در ازای مهریه‌ای مشخص به فروش می‌رسد. بهای این کالا به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آن‌ها داشتن یا نداشتن بکارت است. پیشرفت علم پزشکی، به‌خصوص در زمینه آسیب‌شناسی یا پاتولوژی -برعکس همیشه- این‌بار کمکی بود به مذهب و قوانینی که از طریق مذهب در جوامع امروز اجرا شده‌اند. در این نوع آزمایش‌ها که بدون تردید کرامت انسانی را زیر سؤال می‌برند، تا حد بسیار دقیقی می‌توان تشخیص داد که رابطه جنسی از طریق واژن یا مقعد صورت گرفته است یا خیر. نوع مقعدی این آزمایش حتی در خصوص مردانی که به همجنسگرایی متهم می‌شوند و یا در برخی موارد برای کسانی که می‌خواهند با استفاده از گزینه همجنسگرایی از خدمت اجباری سربازی معاف شوند نیز انجام می‌شود. هرچند این آزمایش نیز به باور بسیاری از پزشکان بر یک سوء تفاهم مبتنی است و بسیاری از متخصصین بر این عقیده‌اند که در موارد غیر از تجاوز، از طریق آزمایش، امکان تشخیص سکس مقعدی وجود ندارد. بر طبق ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی که از شریعت اسلام و قوانین

مربوط به مهریه در آن گرفته شده، آمده است: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتا استرداد کند». این قانون تصریح می‌کند در هنگام طلاق، زن باکره مستحق نصف مهریه می‌باشد و برای احراز اینکه آیا در موقع طلاق، زن مستحق تمام یا نصف مهریه خواهد بود یا نه، ضرورت دارد که دادگاه زن را برای آزمایش بکارت به پزشکی قانونی معرفی کند.

همچنین در ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی تصریح شده: «هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متباین بر آن واقع شده باشد». قانون به علت اختلاف نظرهای فقهی در خصوص تکلیف پرداخت مهریه در صورت فسخ ازدواج موضع صریحی اتخاذ نکرده است، با این وجود معمولاً در صورتی که پیش از فسخ ازدواج از سوی



مرد همبستری صورت گرفته باشد، پرداخت مبلغ ناچیزی که بخشی از مهر المسمی (مهر تعیین شده است) بر عهده مرد قرار می‌گیرد.

با این همه نظر برخی مراجع تقلید کمی با قانونی که اکنون اجرا می‌شوند تفاوت دارد و از آنجا که مهریه قانونی استخراج شده از شرع اسلام است بهتر است به آن نیز توجه شود. اکثر مراجع تقلید شیعه معتقدند که اگر پیش از ازدواج در خصوص باکره بودن یا نبودن گفت‌وگویی صورت نگرفته و بر فرض باکرگی ازدواج صورت گرفته، بهتر است ازدواج را فسخ نکنند و تنها میزان مهریه را تا حد مهریه زن غیر باکره کاهش دهند. در این خصوص آیت الله سیستانی طی فتوایی می‌گوید: «اگر شوهر در عقد مثلاً شرط کند که زن باکره باشد، و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده است می‌تواند عقد را به هم بزند، ولی اگر به هم نزنند، یا شرط نکرده باشد ولی به اعتقاد بکارت ازدواج کرده باشد می‌تواند با ملاحظه نسبت تفاوت بین مهرالمثل باکره، و غیر باکره از مهری که قرار داده‌اند کم کند، و اگر داده است پس بگیرد، مثلاً اگر مهر او ۱۰۰ دینار باشد و مهر زنی مانند او اگر باکره باشد ۸۰ دینار و اگر باکره نباشد ۶۰ دینار باشد، که تفاوتش یک‌چهارم – (۲۵) دینار – است، از ۱۰۰ دینار که مهر اوست کم می‌شود.»

آیت الله صافی گلپایگانی در همین خصوص می‌گوید: «می‌تواند به نسبت تفاوت بین مهر باکره و غیر باکره از مهر کم نماید و بنا بر احتیاط اگر می‌خواهد از او جدا شود او را طلاق دهد.» همان‌گونه که در نظر این مراجع شیعه دیده می‌شود، یکی از عواملی که کم یا زیاد بودن مهریه را مشخص می‌کند، باکره بودن یا نبودن زن است. با این وجود عجیب نیست که برخی دختران بخواهند برای ثابت کردن یکی از «ارزش‌های» خود داوطلبانه دست به تست بکارت بزنند.

ممنوعیت آزمایش بکارت در افغانستان!؟

در چند مطلب مختلف در شماره ۸۵ مجله «حقوق ما» به موضوع ممنوعیت آزمایش بکارت در افغانستان اشاره شده است. افغانستان در طی سالهای گذشته پیشرفتهای شایان توجهی در زمینه حقوق زنان داشته و گام‌هایی را یک شبه طی کرده که برای بسیاری از کشورهای همسایه، از جمله ایران یک رویای دور از ذهن است. با این وجود هیچ گاه آزمایش بکارت داوطلبانه، در افغانستان ممنوع نشده است و به احتمال زیاد مصاحبه کننده و مصاحبه شوندگان این مجله دچار نوعی [سوء تفاهم](#) شده اند. پیش از این در افغانستان زمانی که پلیس و یا بزرگان محلی به روابط یک دختر و پسر شک میکردند یا دختری به «[جرم اخلاقی](#)» متهم می‌شد، میتوانستند دختر

را وادار به آزمایش بکارت کنند. طبق مقررات جدید، پلیس و مراکز درمانی دولتی حق گرفتن آزمایش بکارت اجباری از دختران را ندارند. همان‌گونه که پیشتر هم گفته شد، این قدم مثبتی در راه احقاق حقوق زنان افغانستان به حساب می‌آید ولی تمام راه نیست. در کشور افغانستان هم سنت مهریه همانند ایران وجود دارد و داشتن بکارت یکی از مواردی است که باعث افزایش و در موارد طلاق پیش از رابطه جنسی موجب کاهش مهریه یک دختر می‌شود. پس طبیعی است که همچنان در افغانستان دختران برای اثبات ادعای همسر یا خودشان، و یا با میل خود و یا حتی اصرار خانواده تن به آزمایش بکارت بدهند. توجه داشته باشید که آزمایش بکارت حتی در کشورهای اروپایی نیز اگر به خواست خود فرد باشد ممنوع نیست. ولی این مسائل فرهنگی و تغییر نگاه به زن، ازدواج و روابط جنسی است که سبب می‌شود افراد بسیار معدودی تن به این کار بدهند.

گفتن این مطلب هم ضروری است که مهریه در افغانستان بیشتر یک سنت است و بر عکس ایران هیچ‌گاه منجر به زندانی شدن مرد نمی‌شود. در افغانستان بیشتر میزان مهریه پیش از ازدواج به زن و یا خانواده او پرداخت می‌شود و مابقی آن اگر ثبت رسمی شده باشد، زن می‌تواند آن را به اجرا بگذارد و قانون، ابتدا از مرد می‌خواهد مهریه را پرداخت کند، اگر مرد به میزان مهریه پول نداشت از اموال و املاک وی برداشته می‌شود و اگر اموال و املاکی هم وجود نداشت، باید زن را طلاق بدهد. علی‌رغم پیشرفت‌های سریع، افغانستان نیز هنوز در تصویب قوانین مدنی مدرن با مشکلاتی همانند ایران روبرو است. آن مشکلات هم همگی از سنت و قوانین شریعت

سرچشمه می‌گیرند.

مهرالمثل و ارش البکاره

یکی دیگر از قوانین تحقیرآمیزی که محکم کننده ریشه‌های آزمایش بکارت برای دختران است، قانون مهرالمثل و ارش البکاره است.

قانون مهرالمثل زمانی اجرا می‌شود که برای رابطه جنسی به هر دلیلی مهریه تعیین نشده باشد، در وجود رابطه جنسی شک وجود داشته باشد و یا مهریه مبهم بوده باشد. در میزان مشخص کردن مهرالمثل معیارهایی چون جایگاه خانوادگی، زیبایی، سن، بکارت، دارایی و ویژگی‌های دیگری که به واسطه آن «جایگاه زن»! تعیین می‌شود لحاظ می‌گردد. در صورتی که زن غیر باکره‌ای مورد تجاوز به عنف قرار بگیرد برای او مهرالمثل تعیین خواهد شد. و در صورتی که زن باکره‌ای مورد تجاوز به عنف قرار بگیرد، علاوه بر مهر المثل، برای وی ارش البکاره نیز تعیین می‌شود.

در کل قانون ارش البکاره زمانی اعمال می‌شود که بکارت دختری توسط شخصی غیر از همسر وی از بین برود. این میتواند تجاوز به عنف، تصادف رانندگی و موارد دیگر را هم شامل شود. مسائل تخصصی زیادی در قوانین مهرالمثل و ارش البکاره وجود دارد که در حوصله این بحث نیست، اما تا همین‌جا هم کافیس‌ت که نشان دهد این قوانین سبب می‌شوند که به زنان به چشم کالایی نگریسته شود که یکی از مزایای آن داشتن بکارت است. زمانی که ازدواج شکل معامله را بخود می‌گیرد، مهریه به صورت حق زن در می‌آید و زن به دلیل قوانین مذهبی در حد یک کالا سقوط می‌کند، آیا می‌شود از

خریدار انتظار داشت که کالایی را بدون بررسی لازم خریداری کند؟ آیا میشود مهریه را حق تلقی کرد و رابطه آن با بکارت را نادیده گرفت؟ همان منطق و قانونی که مهریه را به عنوان حق زن مشخص کرده، باکِـرگی را معیاری برای برتری او دانسته که باید به نحوی به تأیید برسد.

شروط ضمن عقد راهی برای تساوی نسبی حقوق زن و مرد در ازدواج

بر اساس قوانین مدنی استخراج شده از اسلام که در ایران اجرا می‌شود، ازدواج یک فرایند مذهبی و قانونی است که در طی آن حقوق و تکالیف متفاوتی به زن و مرد داده می‌شود. با امضای سند ازدواج، زن برخی از حقوق شهروندی خود همچون حق سفر، داشتن شغل، انتخاب محل زندگی، ولایت بر فرزندان و طلاق را از دست می‌دهد و حقوق مادی همچون مهریه و نفقه را به دست می‌آورد. حقوق شهروندی که زنان در طی ازدواج از دست می‌دهند موضوعات کم اهمیتی نیستند و از سوی دیگر هم اکنون ۴۲۸۱ زندانی بدهکار مهریه در زندان‌ها بسر می‌برند و این خود نقض فاحش حقوق بشر و تعهدات بین المللی ایران است. چرا که ماده یازدهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۶ که ایران هم از امضاء کنندگان آن به شمار می‌رود، تصریح می‌کند که: «هیچ کس را نباید به عنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد».

در چنین شرایطی یکی از بهترین گزینه‌های موجود [شروط ضمن عقد است](#) که طی آن زنان حقوقی که قرار است پس از ازدواج از دست بدهند را در ازای نفقه و مهریه باز ستانند. البته گزارش‌هایی نیز منتشر شده که برخی از قضات در دادگاه‌های خانواده، در اجرای برخی از شروط ضمن عقد، همچون حق طلاق سنگ‌اندازی کرده‌اند، ولی در نهایت پیگیری‌های صورت گرفته در مراجع بالاتر نتوانسته جلوی اجرای این شروط را بگیرد. با این حال تازمانی که قوانین مدنی مدرن در ایران تصویب شود و قوه قضائیه بجای روحانیون به حقوق‌دانان سپرده شود، کسانی هستند که در راه شروط ضمن عقد یا همان قراردادهای مدرن غیررسمی بین زوجین سنگ اندازی کنند، ولی در شرایط کنونی تعیین این شروط تنها راهی است که به زنان به چشم کالا و آبرُزه مورد معامله نگاه نشود. شاید این مثال معروف که کمی در اینجا تغییر داده شده را شنیده باشید: قوانین مبتنی بر شریعت آجیل شب عید نیست که پسته هایش را سوا کنید و تخمه ژاپنی‌ها را بگذارید ته کاسه بماند.



حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران/ محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: کامبیز غفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

